

## انفجار بر موتر حامل

رییس حل منازعات مالی بانک مرکزی  
یک گشته و دوزخمی بر جای گذاشت

اطلاعات روز: بانک مرکزی افغانستان اعلام کرده است که در انفجار ماین مقناطیسی بر موتر حامل کارمندان این بانک در شهر کابل یک نفر کشته و...

صفحه ۲

## ۴۱ شهروند افغانستان از

زندانی های دبی آزاد شدند

صفحه ۲

## شش نیروی ارتش در حملات

طالبان در بلخ زخمی شدند

صفحه ۲

## رعایت اخلاق پزشکی

در زمانه جنگ و صلح



صفحه ۴

یادداشت روز

## فرصتی برای دیپلماسی فعال

دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ در امریکا چهار روز پیش رسماً پایان یافت و جو بایدن جای او را در کاخ سفید احراز کرد. با وجود حضور گسترده امریکا در افغانستان، روابط میان دو کشور در دوره ریاست جمهوری ترامپ دستخوش تغییراتی زیادی شد. مهم ترین تحول شروع مذاکرات امریکا و طالبان و در نهایت توافق آن دو بود. اما حکومت افغانستان عملاً در سال های آخر ریاست جمهوری ترامپ از چشم امریکا افتاد. دست کم در دو سال آخر حکومت ترامپ افغانستان در سطح دیپلماسی از طرف امریکا منزوی شد. به عنوان مثال حتی دیپلمات های پایین رتبه امریکا از دیدن با مشاور امنیت رییس جمهور ابا می ورزیدند. در سایر بخش ها نیز سطح دیپلماسی در حد تعارف سیاسی پایین آمده بود و شکاف بی اعتمادی بسیار بیشتر از آنچه تصور می شد، وجود داشت.

دلیل سردی روابط افغانستان و امریکا در زمان ترامپ، ساز مخالف غنی با سیاست های صلح و اشتگتن بود. استراتژی آقای غنی در روند صلح هرگز مورد قبول ایالات متحده امریکا به رهبری ترامپ نبود...

۲

## افزایش چهار درصدی فقر در شهرها؛ «نیمی از جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می کنند»



صفحه ۲

## هشت مریض کووید ۱۹ در شبانه روز گذشته در افغانستان جان داده اند

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه می گوید که در بیست و چهار ساعت گذشته ۱۵۹۳ نمونهی مشکوک به ویروس کرونا را...

صفحه ۲

سارقان مسلح  
یک دکاندار را  
در هرات کشتند  
و پول هایش را  
با خود بردند



صفحه ۲

پولیس کابل  
مردی را به اتهام  
دزدی زیورات  
مادر و خواهرش  
بازداشت کرد



صفحه ۲

## ترس در همه جای کابل؛ هیچ مکان امنی وجود ندارد

شمس الله امینی ۲۲ ساله فروشنده حیوانات و لوبیا در تایمنی می گوید: «وقتی در موتر باشی، در حال قدم زدن باشی و یا در فروشگاه باشی احساس ترس می کنی. اگر امنیت تأمین می بود، ما هیچ گاهی به فکر ترک کردن کشور نمی بودیم.»

صفحه ۴

موج تازه ای از خشونت و عدم اطمینان روزافزون درباره ای آینده کشور، افغان ها را در پایتخت با ترس دائمی مواجه کرده است. کابل، شاهد شرایط ناگوار، ترس و وحشت درهم تنیده است. ترس به شیوه ای از زندگی تبدیل شده است.

گزارش



## چرا مهندس توافق نامه امریکا و طالبان سر جایش ماند؟

شبکه تلویزیونی سی ان ان با اتکا به چند منبع گزارش داده است که حکومت جدید امریکا به ریاست جمهوری جو بایدن، زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان را که در زمان حکومت دونالد ترامپ به این سمت گماشته شده بود، | صفحه ۵

ترجمه

## عملیات بازپس گیری قندوز چگونه به «اشتباه فاجعه بار» ارتش امریکا انجامید؟

جگرن «مایکل هاجینسون»، کماندوی «گروه سوم نیروهای ویژه ارتش امریکا» مسئول مأموریت سری کمک به کماندوهای افغان در عملیات بازپس گیری شهر قندوز بود. با این که نبرد قندوز پنجمین مأموریت رزمی هاجینسون پس از سه دور اجرای وظیفه در افغانستان و یک دور خدمت در جنگ عراق بود، او اما هرگز چنین جنگ سختی را تجربه نکرده بود. او و افرادش را چهار روز پس از آن که قندوز تحت محاصره قرار گرفت به این شهر اعزام کردند. نیروهای ارتش و پولیس افغانستان (افتاده در بانلاق فساد گسترده و رهبری ضعیف) مواضع شان را رها کرده و شهر را تقریباً بدون هیچ مقاومتی به طالبان سپرده بودند. قندوز در عرض چند ساعت سقوط کرده بود. هاجینسون می دانست که کوچک ترین اشتباه در این مأموریت می تواند به...

۳

بسته های ویژه اینترنتی برای  
بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



AFGHANET

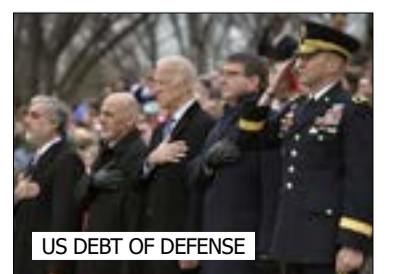


ادامه‌یادداشت‌روز

او به دلیل انتخابات برای آوردن طالبان به روند صلح بسیار عجله داشت و به قولی که برای شهروندان امریکا برای خروج از افغانستان داده بود، می‌خواست جامه عمل بپوشاند و این دست‌آورد را به رای‌دهندگان امریکایی بفروشد. این رویکرد باعث شد دولت ترمپ امتیازات زیادی را به صورت یک‌جانبه به طالبان بدهد، آن‌هم بدون این‌که از طالبان امتیازات قابل ملاحظه‌ای به دست آورده باشد. در این بازی برای رییس‌جمهور افغانستان مسأله‌ی قابل نگرانی یک چیز دیگر بود؛ او نگران بود که سر انجام مذاکرات حکومت و طالبان با مداخله ایالات متحده به ایجاد یک حکومت موقت برسد. آقای غنی موفق شد در طول دو سال گذشته برنامه‌های صلح واشنگتن را گام به گام با گره‌های تازه به چالش مواجه کند یا دست‌کم از نظر زمانی آن‌را به تأخیر انداخت. هرچند واشنگتن در غیاب حکومت افغانستان مذاکرات مستقیم صلح با طالبان را شروع کرد، اما برنامه‌ای که داشت محقق نشد.

حالا که رییس‌جمهور جو بایدن مسئولیت رسیدگی به جنگ و صلح افغانستان را بر دوش می‌کشد و قرار است حرف آخر را او بزند و به‌عنوان رییس‌جمهور مسیر فصل بعدی جنگ را مشخص کند، برای افغانستان هم یک فرصت است و هم یک تهدید. فرصت است، زیرا برخلاف ترمپ بایدن سیاستمدار وابسته به دیپلماسی است. بسیاری از ناظران می‌گویند دولت‌مردان بایدن عمدتاً کسانی‌اند که حمایت از حکومت افغانستان و تأخیر خروج نیروهای امریکایی را از افغانستان به او توصیه می‌کنند. تهدید است، زیرا مرور کارنامه آقای بایدن نشان می‌دهد که او افغانستان را از عینک پاکستان می‌بیند. برای چهل‌وششمین رییس‌جمهور امریکا به گفته‌ی خودش پاکستان پنجاه‌مرتبه مهم‌تر از افغانستان است و افغانستان یک کشور سه‌پاره و درست‌نشدنی است. بنابراین، ترس و تهدید این است که آقای بایدن نیز مدیریت جنگ و صلح افغانستان را از چشم پاکستان تعریف کند. حالا همه چیز بستگی به دیپلماسی فعال افغانستان دارد. جای خالی دیپلماسی فعال افغانستان به معنای ادامه تهدید است.

کاری که حکومت افغانستان باید روی دست بگیرد تلاش برای بازسازی روابط و فعال‌سازی دوباره دیپلماسی خواب‌رفته افغانستان با واشنگتن است. چهار سال پیش وقتی که ترمپ در کاخ سفید رفت جنگ افغانستان برای او یک اولویت اصلی بود. استراتژی که ترمپ برای افغانستان داشت، نویدبخش بود؛ زیرا پیام اصلی آن پیروزی در جنگ افغانستان بود. او گفت برخلاف خواسته اولیه‌اش با خروج نظامیان امریکایی در افغانستان مخالف است. او در سخنانش نسبت به خروج عجلانه از افغانستان هشدار داد و گفت نمی‌خواهد اشتباه رهبران امریکا در خروج سریع و گسترده نظامیان ایالات متحده از عراق در زمان ریاست‌جمهوری باراک اوباما را تکرار کند. در آن زمان ترمپ به پاکستان هشدار داد که نمی‌خواهد در قبال حضور گروه‌هایی مانند طالبان در پاکستان ساکت بماند. اما در طول حدود سه سال گذشته معادله برعکس شد. نه‌تنها ترمپ سیاست خروج عجلانه را از افغانستان روی دست گرفت که در غیاب حکومت افغانستان مذاکرات مستقیم صلح با طالبان را شروع کرد. با طالبان توافق‌نامه صلح امضا کرد و تا یک‌قدیمی دعوت از رهبران طالبان در کمپ دوید پیش رفت. هشدار که به پاکستان داده بود نه‌تنها عملی نشد که نقش و جایگاه پاکستان در جنگ و صلح افغانستان پررنگ‌تر از گذشته شد. یک دلیل اصلی پیش‌آمدن این وضعیت نقش ضعیف و ناکارآمد حکومت افغانستان در زمینه دیپلماسی بود.



## افزایش چهاردرصدی فقر در شهرها؛ «نیمی از جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند»

میزان فقر در کشور خبر داده است که در تاریخ ۱۸ سرطان، مصطفی مستور، وزیر پیشین اقتصاد گفته بود که با در نظر داشت گسترش ویروس کرونا، رشد اقتصادی کشور در سال جاری سه درصد کاهش و میزان فقر هفت درصد افزایش می‌یابد. در سال گذشته (۱۳۹۸) رشد اقتصادی کشور به سه درصد رسیده بود. یک سال قبل از آن رشد اقتصادی ۲.۷ درصد بود. قبلاً وزارت مالیه گفته بود که رشد اقتصادی کشور در سال مالی ۱۳۹۹، با افزایش ۰.۵ درصدی به ۳.۴ درصد خواهد رسید.

جمعیت کشور افزوده می‌شوند. او همچنان افزود که از مجموع نفوس کشور، در حدود ۱۶ میلیون نفر در سن کار اند و از این میان، در حدود شش میلیون نفر مشغول کار اند. خانم فاریابی توضیح داد که از مجموع نفوس مشغول کار در حدود ۴۵.۴ درصد آن در سکتور زراعت و متباقی در سکتورهای مختلف شاغل‌اند. با این حال، او تأکید کرد که موضوع کاهش فقر در صدر اولویت‌های حکومت افغانستان قرار دارد. کریمه حامد فاریابی در حالی از افزایش

زیر خط فقر زندگی می‌کنند. با این حال، وزیر اقتصاد افزود که پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که افغانستان در سال آینده خورشیدی (۱۴۰۰) رشد مثبت اقتصادی ۲.۵ تا سه درصدی را خواهد داشت. او اما تأکید کرد که این رشد اقتصادی با توجه به رشد سریع نفوس افغانستان «ناچیز» است و نمی‌تواند تغییرات مثبت و قابل ملاحظه‌ای را در میزان کاهش فقر، کاریابی و دسترسی به خدمات اساسی داشته باشد. به گفته‌ی کریمه حامد فاریابی، سالانه حدود ۶۵۰ هزار نفر به

اطلاعات روز: کریمه حامد فاریابی، وزیر اقتصاد کشور می‌گوید که براساس آخرین سروی‌ها، میزان فقر در شهرها چهار درصد و در میان کوچی‌ها سه درصد افزایش یافته است. خانم فاریابی که دیروز (یکشنبه، ۵ دلو) در برنامه‌ی «حساب‌دهی دولت به ملت» در شهر کابل صحبت می‌کرد، گفت که این میزان فقر در کشور به دلیل وضع محدودیت‌ها و قرنطینه به‌خاطر شیوع ویروس کرونا در جریان سال جاری خورشیدی، افزایش یافته است. او افزود که هنوز نیمی از جمعیت افغانستان

### ۲۱ شهروند افغانستان از زندان‌های دبی آزاد شدند

همچنان در خبرنامه آمده است که آنان به حمایت مالی وزارت خارجه و دولت افغانستان دیروز به کشور برگردانده شده‌اند. وزارت خارجه افزوده است که در نتیجه‌ی تلاش‌های پیگیر دستگاه دیپلماسی کشور طی چند ماه گذشته، بیش از ۲۱۰ نفر از شهروندان افغانستان که در دبی زندانی بودند، از زندان آزاد و به کشور باز گشته‌اند.

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه‌ی کشور اعلام کرده است که ۲۱ زندانی شهروند افغانستان از زندان‌های شهر دبی امارات متحده‌ی عربی آزاد و به افغانستان برگردانده شده‌اند. وزارت خارجه دیروز (یکشنبه، ۵ دلو) با نشر خبرنامه‌ای گفته است که این زندانیان افغان بر اثر سعی و تلاش جنرال قونسلگری افغانستان در دبی و همکاری نهادهای عدلی و قضایی امارات متحده‌ی عربی از زندان رها شده‌اند.

## انفجار بر موتر حامل رییس حل منازعات مالی بانک مرکزی یک کشته و دو زخمی بر جای گذاشت



به ویژه در شهر کابل افزایش یافته است. در ۱۷ عقرب سال جاری نیز یک موتر حامل کارمندان بانک مرکزی در شهر کابل هدف قرار گرفت. در آن رویداد، یما سیاوش مشاور امور روابط عامه آمریت عمومی دفتر ریاست بانک مرکزی، احمدالله انس معاون اجرایی و پروتوکولی آمریت عمومی دفتر ریاست بانک و امین‌الله رضایی راننده‌ی آنان کشته شدند.

فردوس فرامرز، سخن‌گوی فرماندهی پولیس کابل به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۸:۱۲ دقیقه‌ی صبح دیروز (یکشنبه، ۵ دلو) در جاده سوم شاه شهید رخ داده است. فرد یا گروهی تا کنون مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است. در ماه‌های اخیر ترور فعالان رسانه‌ای، کارمندان دولتی، فعالان جامعه مدنی و نیروهای امنیتی و دفاعی در سراسر کشور

اطلاعات روز: بانک مرکزی افغانستان اعلام کرده است که در انفجار مابین مقناطیسی بر موتر حامل کارمندان این بانک در شهر کابل یک نفر کشته و دو نفر دیگر زخمی شده‌اند. در اعلامیه‌ی بانک مرکزی آمده است که در این رویداد موتر شخصی عبدالله درانی، رییس کمیسیون حل منازعات مالی این بانک هدف قرار گرفته است که در نتیجه خود او با یک نفر دیگر زخمی و یک محافظاش کشته شده است.

### شش نیروی ارتش در حملات طالبان در بلخ زخمی شدند

از سویی هم، او گفت که در جریان درگیری‌ها در این حملات طالبان، پنج جنگ‌جوی این گروه کشته و سه جنگ‌جوی دیگر زخمی شده‌اند. منبع تأکید کرد که هم‌اکنون حملات طالبان دفع شده و نیروهای کماندوی ارتش در ساحه مستقر شده‌اند. گروه طالبان هنوز در این مورد چیزی نگفته است. ولایت بلخ در شمال کشور از ولایت‌های نسبتاً ناامن است که جنگ‌جویان طالبان در بخش‌هایی از این ولایت حضور و فعالیت دارند. اخیراً این گروه به حملاتش در بخش‌هایی از این ولایت شدت بخشیده است.

اطلاعات روز: منابع ارتش در شمال کشور تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی حملات جنگ‌جویان گروه طالبان بر پاسگاه‌های این نیروها در ولسوالی شولگه‌ری ولایت بلخ، شش سرباز زخمی شده‌اند. یک منبع در قول اردوی ۲۰۹ شاهین که نخواست نامش در خبر ذکر شود، دیروز (یکشنبه، ۵ دلو) به روزنامه اطلاعات روز گفت که طالبان این حملات‌شان را در روستاهای «خاکبید» و «ناقلین» ولسوالی شولگه راه‌اندازی کرده‌اند. این منبع افزود که زخمیان هم‌اکنون به شفاخانه منتقل شده‌اند و وضعیت صحتی‌شان نیز خوب است.

## سارقان مسلح یک دکاندار را در هرات کشتند و پول‌هایش را با خود بردند

آن‌ها، سارقان پس از قتل این فرد پول‌های او را با خود برده‌اند. منابع صحتی در هرات نیز تأیید می‌کنند که فرد کشته شده یک دکاندار بوده و جسد او به شفاخانه منتقل شده است. داکتر فرهاد افضلی، مسئول بخش عاجل شفاخانه حوزوی هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که از محل رویداد یک زخمی نیز به شفاخانه منتقل شده است. منابع امنیتی در هرات تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. اخیراً ناامنی‌ها در شهر هرات افزایش یافته است. باشندگان هرات از حکومت می‌خواهند که در راستای تأمین امنیت و مهار ترورهای هدفمند اقدام کند.



اطلاعات روز - هرات: منابع مردمی در هرات می‌گویند که سارقان مسلح سوار بر موتورسایکل یک فرد را با ضرب گلوله به قتل رسانده‌اند. این منابع می‌گویند این رویداد حوالی ساعت ۴:۰۰ بعد از ظهر دیروز (یکشنبه، ۵ دلو) در ساحه‌ی «درب خوش» ناحیه‌ی دوم شهر هرات رخ داده است. به گفته‌ی

## پولیس کابل مردی را به اتهام دزدی زیورات مادر و خواهرش بازداشت کرد

فرار کرده بود. به گفته‌ی فرامرز، پولیس او را دو روز پیش (شنبه، ۴ دلو) از مربوطات ناحیه‌ی هشتم شهر کابل شناسایی و بازداشت کرده است. از سوی هم، در یک خبرنامه‌ی فرماندهی پولیس کابل آمده است که فرد بازداشت‌شده به جرم خود اعتراف کرده و در حال حاضر زیر نظارت قرار دارد. به نقل از خبرنگار، زیورات به‌دست آمده از نزد فرد بازداشت‌شده به مالکان آن سپرده شده است. پولیس کابل در دهم جدی سال جاری نیز سه نفر را در پیوند به سرقت زیورات و دو سیت موبایل به ارزش یک‌ونیم میلیون افغانی از یک خانه در شهر کابل بازداشت کرده بود.



اطلاعات روز: پولیس کابل می‌گوید که یک نفر را به اتهام دزدی زیورات مادر و خواهرش بازداشت کرده است. فردوس فرامرز، سخن‌گوی فرماندهی پولیس کابل می‌گوید که این فرد به ارزش حدود دو میلیون افغانی زیورات مادر و خواهرش را از خانه‌اش در مربوطات ناحیه‌ی هفتم شهر کابل دزدی و از ساحه

### هشت مریض کووید ۱۹ در شبانه‌روز گذشته در افغانستان جان داده‌اند

ناشی از کرونا در کشور به ثبت رسیده است. این تعداد افراد در ولایت‌های کابل، هرات، ننگرهار، غور و فاریاب به دلیل ابتلا به کووید ۱۹ جان باخته‌اند. شمار مجموعی فوتی‌های ناشی از مریضی کووید ۱۹ در افغانستان تا دیروز به دوهزار و ۲۸۶ نفر افزایش یافته است. همچنین، در یک شبانه‌روز گذشته ۳۵۵ مریض کووید ۱۹ در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، ننگرهار، تخار، پکتیا، قندوز، بدخشان، لغمان و غور بهبود یافته‌اند. به این ترتیب، شمار بهبودیافتگان ویروس کرونا در کشور به ۴۷ هزار و ۲۹۸ نفر افزایش یافته است.

اطلاعات روز: وزارت صحت عامه‌ی کشور می‌گوید که در بیست‌وچهار ساعت گذشته ۱۵۹۳ نمونه‌ی مشکوک به ویروس کرونا را تست کرده است که نتایج آزمایش ۷۷ نمونه‌ی آن مثبت تشخیص شده است. این تعداد موارد مثبت کرونا در ولایت‌های کابل، هرات، قندهار، ننگرهار، تخار، پکتیا، بغلان، بدخشان، هلمند، لغمان، کنر، فاریاب، جوزجان، ارزگان و نورستان به ثبت رسیده است. با ثبت این رویدادها، شمار مجموعی مبتلایان به ویروس کرونا در افغانستان از نخستین روز شیوع این ویروس تاکنون به ۵۴ هزار و ۶۷۲ نفر رسیده است. براساس معلومات وزارت صحت عامه، در بیست‌وچهار ساعت گذشته هشت مورد مرگ



## عملیات بازیس گیری قندوز چگونه به «اشتباه فاجعه بار» ارتش امریکا انجامید؟

جسیکا دوناتی، اتلانتيک

مترجم: جلیل پژواک

اشاره: استراتژی دولت اوباما و سپس دولت ترمپ برای جلوگیری از سقوط شهرهای افغانستان به دست طالبان، اعزام نیروهای ویژه خوب آموزش دیده ارتش امریکا، برای کمک به نیروهای حکومت افغانستان بود. این استراتژی تحولات اخیر جنگ ۲۱ ساله افغانستان را از چشم مردم دور نگه داشته است. اما در برقراری ثبات در این کشور موفق نبوده و نیروهای نخبه ارتش را خسته کرده است. آن‌ها از مأموریت‌های رزمی پشت سرهم و از جان دادن در جنگی که دو دهه است ادامه دارد، جنگی که مردم‌شان تقریباً هیچ چیزی در مورد آن نمی‌دانند، خسته شده‌اند.

در سال ۲۰۱۵ هنگامی که شهر قندوز در شمال افغانستان به دست طالبان سقوط کرد، نیروهای ویژه ایالات متحده در یک مأموریت سری برای کمک به کماندوهای افغان در عملیات بازیس‌گیری شهر قندوز اعزام شدند. آن‌ها با چنین مأموریتی آشنایی کافی نداشتند، با کمبود تجهیزات مواجه بودند و در میانه‌ی نبردی رودرو گرفتار مشکل دیگری شدند: دستورات ضدتوقیف. داستان این مأموریت که به یکی از بدترین اشتباهات فاجعه‌بار ارتش امریکا در افغانستان منجر شد، بیان‌گر خطرهای اتکالی بیش‌ازحد به عملیات‌های ویژه (توسط نیروهای ویژه) در نبردهای جنگ افغانستان است. این گزارش خلاصه‌ی بخشی از کتاب در دست نشر جسیکا دوناتی تحت عنوان «Eagle Down: The Last Special Forces Fighting the Forever War» است.

جگرن «مایکل هاجینسون»، کماندوی «گروه سوم نیروهای ویژه ارتش امریکا» مسئول مأموریت سری کمک به کماندوهای افغان در عملیات بازیس‌گیری شهر قندوز بود. با این‌که نبرد قندوز پنجمین مأموریت رزمی هاجینسون پس از سه دور اجرای وظیفه در افغانستان و یک دور خدمت در جنگ عراق بود، او اما هرگز چنین جنگ سختی را تجربه نکرده بود. او و افرادش را چهار روز پس از آن‌که قندوز تحت محاصره قرار گرفت به این شهر اعزام کردند. نیروهای ارتش و پولیس افغانستان (افتاده در باتلاق فساد گسترده و رهبری ضعیف) مواضع‌شان را رها کرده و شهر را تقریباً بدون هیچ مقاومتی به طالبان سپرده بودند. قندوز در عرض چند ساعت سقوط کرده بود.

هاجینسون می‌دانست که کوچک‌ترین اشتباه در این مأموریت می‌تواند به فاجعه بینجامد. کماندوهای امریکایی با هلیکوپتر به ساحه‌ی عملیات منتقل شده بودند و خبری از موت زهی نبود. برخی دیگر با چهارچرخه‌های نظامی خودشان را به قندوز رسانده بودند. نیروهای امریکایی فقط یک نسخه از نقشه‌ی قندوز را با خود داشتند و قبلاً هیچ‌کدام پا به این شهر نگذاشته بودند.

آن‌ها پس از چهار روز درگیری هنوز نتوانسته بودند از مقر فرماندهی پولیس قندوز پیش‌تر بروند. واحدهای ویژه نیروهای امریکایی و افغان مجبور شده بودند در همان مقر پولیس، مرکز کنترل و فرماندهی عملیات‌شان را برپا کنند. نقشه اما این نبود: در اصل قرار بود آن‌ها از دفتر والی این ولایت عملیات بازیس‌گیری قندوز را رهبری کنند، اما در تاریکی شب گم شده بودند. آن‌ها از چهار سو زیر حمله قرار داشتند و اگر حملات هوایی و تک‌تیراندازها نبود، طالبان به راحتی می‌توانستند فرماندهی را تصرف کنند. هاجینسون برای پشتیبانی هوایی از هم‌سنگران افغانش که برای حمله به ساختمانی آماده می‌شدند که گفته شده بود طالبان از آن برای کنترل و فرماندهی جنگ‌جویان‌شان استفاده می‌کنند، با یک جنگنده AC-130 که در آسمان شهر قندوز به پرواز درآمده بود، در تماس بود.

نیروهای افغان مخابره نداشتند و برای ارتباط با هاجینسون به پوشش محدود شبکه تلفن همراه متکی بودند. برقراری ارتباط دشوار بود اما آنیروهای امریکایی با به آن عادت کرده بودند. پس از بلندشدن صدای گلوله‌باری، مترجم هاجینسون خودش را به او رساند تا تأیید کند که نیروهای افغان برای حمله به ساختمان مشکوک، به پشتیبانی هوایی نیاز



مردی روی تخت جراحی (عکس از اندرو کیلتی - فارن پالیسی)

دارند. هاجینسون به خلبان AC-130 دستور آتش داد.

درون جنگنده، یک سری خرابی‌های فنی و ارتباطی مانع آماده‌شدن خدمه برای مأموریت شده بود. در زمین، باتری‌های تیم هاجینسون که برای فعال کردن گیرنده‌های ویدیویی که معمولاً برای برقراری ارتباط با خدمه جنگنده استفاده می‌شود، خالی شده بود. همه‌ی این مشکلات به این معنا بود که هاجینسون حتماً نمی‌دانست مأموریت تا خرخره اشتباه پیش رفته است. ساختمانی که او به خلبان AC-130 دستور آتش بر آن را داده بود، مرکز کنترل و فرماندهی طالبان نه، بلکه ساختمان شفاخانه‌ای بود که توسط سازمان «پزشکان بدون مرز» اداره می‌شد.

در داخل شفاخانه «یوانجلینا کوا»، از یک جراحی فارغ شده و منتظر جراحی بیمار بعدی بود. کوا در کشورش، فیلیپین، موقع جراحی عادت‌های خاص خودش را داشت، اما از کار اصلی‌اش در زادگاهش برای کار با گروه پزشکان بدون مرز در افغانستان، مرخصی گرفته بود. در قندوز ماه‌ها بود که وضعیت رو به خرابی بود، اما این چهار روز گذشته فرق می‌کرد. از زمان سقوط شهر قندوز، تخت‌های شفاخانه پزشکان بدون مرز پر از زخمی شده بود و کارمندان صحنی از راهروها و مطب‌های شان به عنوان فضا برای بسترهای مؤقت استفاده می‌کردند. در آن چهار روز، قلب کوا شکسته بود وقتی نتوانسته بود اعضای یک خانواده را که به شفاخانه منتقل شده بودند، نجات دهد.

اولین دور گلوله‌باری AC-130 اتاق عاجل شفاخانه را هدف قرار داد. اتاق‌های جراحی و پنجره‌ها تکان خوردند. کوا سرش را بالا آورد و با دستیارش که بخیه‌ی زخم بیمار را تازه به پایان رسانده بود، چشم در چشم شد. پزشکان به صدای انفجار و تیراندازی عادت کرده بودند. دستیار با ناراحتی خندید. کوا خسته فکر کرد که این تکان‌ها هم ناشی از همان انفجارهای معمول چند روز اخیر شهر است.

اما لحظه‌ای نگذشته بود که انفجار دوم با قدرت تمام رخ داد. هنگام انفجار پزشکان در هر سه اتاق جراحی شفاخانه مشغول کار بودند. با انفجار دوم، جراحان اتاق‌ها را ترک و از راهروها گریخته و بیمارانی بی‌هوش خود را روی تخت‌های جراحی تنها رها کردند. پزشکان و پرستاران در سالن شفاخانه دورهم جمع شدند و پشت میزها پناه گرفتند. اما به سختی می‌توانستند در میان دود تیزی که ساختمان را فراگرفته بود، نفس بکشند. کوا دوباره به سمت اتاق جراحی راهی شد.

مغز کوا تقلا می‌کرد که بفهمد چه بلایی بر سرشان آمده. مگر قرار نبود شفاخانه در امان باشد؟ همه‌ی طرف‌های جنگ بی‌طرفی شفاخانه را به رسمیت می‌شناختند. پس این حمله‌ی هوایی از کجا شد؟ کوا درگیر این افکار بود که ناگهان انفجار کرکننده دیگری ساختمان را به لرزه درآورد، سقف فرو ریخت و تاریکی همه جا را فرا گرفت. او در آن لحظه در اتاق جراحی فقط متوجه شد که قلب بیمارش متوقف شده است. با خودش فکر کرد که «همه می‌میریم». بمب‌ها همچون پتکی بر ساختمان شفاخانه فرود می‌آمد.

کوا تصور کرد که بقایایش را در کوزه‌ای برای

پدر و مادرش به فیلیپین خواهند فرستاد، یا بدتر از آن حتا جسدش یافت نخواهد شد. او در آن لحظه سعی کرد بیمارانی را به خاطر بیاورد که با کارش در قندوز جان شان را نجات داده بود. اما نمی‌توانست به کسی یا چیزی غیر از پدر و مادرش در فیلیپین فکر کند. با خودش گفت: «متأسفم مادر. متأسفم». همان لحظه بود که کوا صدای همکارش را شنید که به آرامی دعا می‌خواند. همکارش به او گفت بیا «با من دعا کن».

«گیلهم مولینی»، رییس شاخه افغانستان سازمان پزشکان بدون مرز در کابل بود که از شفاخانه قندوز با او تماس گرفتند و خبر حمله‌ی هوایی بر شفاخانه را دادند. او فوراً شماره تلفن پایگاه بگرام را گرفت و دعا کرد که سریع پاسخ دهند. پس از برقراری تماس، مولینی به افسر امریکایی که گوشی را برداشته بود، گفت: «شفاخانه زیر حمله است... دارید شفاخانه را بمباران می‌کنید!»

پس از قطع تماس، افسر پایگاه به سمت مرکز عملیات‌های مشترک دوید، فرمانده عملیات را گوشه کرد و بیخ گوشش ماجرای تماسی را گفت که تازه دریافت کرده بود. اما درگرم «جیسون جانستون»، فرمانده کندک گروه سوم، که در ردیف کناری روی صندلی نشسته بود، صدای افسر پایگاه را شنید و از جایش برخاست. او از افسر خواست که حرفش را تکرار کند. هیچ‌یک از فرماندهان مرکز عملیات‌های مشترک از حمله هوایی قندوز خبر نداشتند.

“

با این حال صبح که هوا روشن شد ساختمان ویران شفاخانه در حال سوختن بود. کوا و سایر پزشکان و پرستارانی که از بمباران جان سالم به‌در برده بودند، با طلوع آفتاب برای نجات دادن جان زخمی‌ها دست به کار شدند. در پایان روز گزارش شد که ۴۲ نفر، از جمله ۱۴ کارمند شفاخانه، در نتیجه‌ی حمله هوایی کشته شده است.

آن‌ها سعی کردند با هاجینسون تماس بگیرند، اما این کار چند دقیقه طول کشید. آن‌ها تصاویر ستونی از دود را که از مرکز شهر قندوز بلند بود و توسط ماهواره به آن‌ها مخابره می‌شد، شناسایی کردند و مختصات آن‌ها را با مختصاتی که از شفاخانه به آن‌ها فرستاده شده بود، مقایسه کردند. هاجینسون دوباره تماس گرفت و جانستون قضیه را برایش بازگو کرد. هاجینسون مغزش هنگ کرده بود. او ویدیویی یک ساعت گذشته حمله را از سر تماشا کرد، اما بازم نفهمید که چگونه این اتفاق افتاده است. او گفت: «امکان نداره... این اتفاق افتاده باشه». هاجینسون به خلبان AC-130 دستور داد آتش‌باری را متوقف کند، اما نخواست شخص دیگری از تیمش را در جریان گزارشی که از بگرام به او داده شده بود، قرار دهد. درست

است که کماندوها «جان سخت» هستند، اما این قضیه می‌توانست ضربه‌ی وحشتناکی بر روحیه افرادش وارد کند و بر استرس ناشی از جنگ بر سر شهر قندوز بیفزاید. هاجینسون به خودش گفت که حتماً در گزارش دهی اشتباهی رخ داده است.

با این حال صبح که هوا روشن شد ساختمان ویران شفاخانه در حال سوختن بود. کوا و سایر پزشکان و پرستارانی که از بمباران جان سالم به‌در برده بودند، با طلوع آفتاب برای نجات دادن جان زخمی‌ها دست به کار شدند. در پایان روز گزارش شد که ۴۲ نفر، از جمله ۱۴ کارمند شفاخانه، در نتیجه‌ی حمله هوایی کشته شده است.

پس از یک هفته نبرد، قندوز کم و بیش تحت کنترل دولت درآمد. سربازان افغان نیروهای امریکایی را موقع خروج از شهر بدرقه کردند. هاجینسون درباره حمله هوایی چند شب پیش چیز اضافی نشنیده بود و از آن‌جا که او و تیمش از محل حمله بازدید نکرده بودند، تصور می‌کرد گزارش پایگاه بگرام اشتباه بوده است. هاجینسون خوشحال بود. او از کودکی رویای شرکت در نبردی برای بقا، با گروه کوچکی از هم‌سنگران را در سر داشت. احساساتی که او در جریان درگیری سرکوب کرده بود، یک‌باره بر سرش هجوم آوردند. افرادش از این‌که زنده بودند سرمست بودند. احساس قهرمان بودن به آن‌ها دست داده بود. آن‌ها در برابر گلوله‌ایستاده و یک شهر را از نابودی نجات داده بودند. آن‌ها برای خبری که در پایگاه منتظرشان بود، آماده نبودند.

در پایگاه، اخبار تلویزیون جهانی را نشان می‌داد که توجه‌اش را به حمله هوایی در قندوز معطوف کرده بود، نه به شکست طالبان در نبرد بر سر قندوز. همه‌ی رسانه‌های اصلی بمباران شدن شفاخانه توسط نیروهای امریکایی را پوشش می‌دادند و پرسش خبرنگاران این بود که آیا حمله هوایی بر شفاخانه پزشکان بدون مرز در قندوز جنایت جنگی به شمار می‌رود یا خیر.

هاجینسون هنوز معتقد بود که او و افرادش با رفتن به شهر قندوز کار درست را انجام داده‌اند. او سعی کرد «بن وونتنز»، کماندوی جوان را که شب حمله مسئول ارتباط با AC-130 بود، آرام کند. بن وونتنز به شدت پریشان بود. هاجینسون به او گفت که اگر مأموریت‌شان شکست می‌خورد، طالبان تا حالا در قندوز مستقر شده بودند و جنگ خانه به خانه برای بیرون راندن آن‌ها هزینه جانی و انسانی به مراتب بالاتری می‌داشت.

ده سال از اولین مأموریت عملیاتی هاجینسون در عراق گذشته بود. یک دهه برای آموختن نحوه هضم وحشت جنگ زمان زیادی است. از نظر هاجینسون واضح بود که بمباران شفاخانه، اشتباهی ناشی از خرابی تجهیزات، خستگی جسمی و خطای انسانی بوده است. او به وونتنز گفت که همه‌ی افرادش در موقعیتی که هرگز نباید قرار می‌گرفتند، تمام تلاش خود را برای انجام عملیات به بهترین شکل ممکن، انجام داده بودند. وونتنز به عنوان مسئول ارتباطات این نبرد، ۲۵ ساله بود و مأموریت قندوز اولین تجربه‌اش از میدان جنگ واقعی به شمار می‌رفت. وونتنز آرام و قرار نداشت.

تا این مرحله تیم تحقیق از مرکز خودش را

به قندوز رسانده بود. آن‌ها می‌خواستند فوراً هاجینسون را ببینند. اعضای تیم تحقیق با ناراحتی به وی نگاه می‌کردند. رسانه‌ها او را به عنوان یک جنایت‌کار جنگی بالقوه توصیف می‌کردند. هاجینسون اما خودش را نباخته بود و وعده داد که در تحقیق کمک می‌کند.

او به خانه‌اش زنگ زد. همسرش گوشی را جواب داد.

«تینا»، همسر هاجینسون، پرسید: «همه چیز خوب است...؟ آخر آن‌ها [آن حادثه را] جنایت جنگی می‌خوانند.»

هاجینسون از وظیفه‌اش برکنار شد و به پایگاه بگرام فرستاده شد تا منتظر نتایج تحقیق باشد. او مطمئن بود که تحقیق‌کنندگان متوجه خواهند شد که او و افرادش آن شب تمام توان خود را برای انجام مأموریت‌شان به وجه احسن به کار بسته بودند. حمله‌ی هوایی آن شب یک اشتباه تأسف‌بار بود که در اوج یک جنگ رو در رو از آن‌ها سر زده بود. او تصمیم گرفت که شجاعانه هر مجازاتی را که ارتش برایش صلاح دانست، بپذیرد.

هنگامی که یک کشیش به کابل آمد و سراغ هاجینسون رفت، از روحیه خوب او شوکه شد. ارزیابی داخلی پایگاه او را «فردی در معرض خطر خودکشی» نشان داده بود. اما هاجینسون تلاش می‌کرد خوش‌بین به نظر برسد و به کشیش گفت که «من خوبم».

اما او می‌شنید که برخی از افراد در مقر فرماندهی ارتش معتقدند که او قوانین جنگ را نقض کرده و باید به جرم قتل در دادگاه محاکمه شود. هاجینسون سعی کرد مثبت بماند و به ورزش روزانه‌اش برای مقابله با افسردگی و افکار منفی که او را آزار می‌داد، ادامه دهد.

او از طریق تلفن نمی‌توانست خیلی با تینا صحبت کند، اما سعی کرد او را اطمینان دهد که وقتی تحقیقات به پایان برسد، اوضاع رو به راه خواهد شد. تینا تنها بود، سرپرستی دو طفلش را به عهده داشت و بچه‌ی سومش را باردار بود.

تینا می‌دانست که در تلفن نباید زیاد سوال بپرسد، اما از این‌که چه اتفاقی قرار است برای خانواده‌اش بیفتد، آرام و قرار نداشت. هاجینسون به تینا قول داد که «زندانی نمی‌شوم». تینا نگران بود. تصاویر شفاخانه در ذهنش حک شده بود. او با این‌که ته قلب خود می‌دانست که شوهرش تمام تلاشش را کرده تا مأموریتش را به بهترین شکل ممکن انجام دهد، اما نمی‌توانست گزارش‌های رسانه‌ها را درباره کارمندان و بیمارانی که از حمله هوایی آن شب جان سالم به در برده بودند، بخواند.

ارتش چندین بار موضع رسمی خود را تغییر داد. محرمانه بودن تحقیقات باعث تشدید شک و تردید مردم در مورد عمدی بودن بمباران شفاخانه شده بود. هاجینسون احساس می‌کرد که اگر مردم از نزدیک در جریان ماجرای چگونگی رخ دادن این اشتباه قرار بگیرند، وضعیت را درک خواهند کرد. او از ارتش خواست که اجازه دهند علناً آنچه را که آن شب اتفاق افتاده بود، برای مردم توضیح دهد. اما فرماندهی کندک به او گفت که این کار، ایده‌ی خوبی نیست.

تحقیق‌کنندگان بارها و بارها هاجینسون را برای بازجویی فراخواندند. سرانجام بریدجنرال «ریچارد کیم»، عضو ارشد تیم تحقیق تلاش کرد شخصاً به هاجینسون نزدیک شود. او بعداً به هم‌تیمی‌هایش گفت که نسخه هاجینسون از وقایع آن شب را باور نمی‌کند. او فکر می‌کرد که هاجینسون قوانین جنگ را نقض کرده و از حمله هوایی به صورت غیرقانونی استفاده کرده. باری، او از هاجینسون پرسید: «نمی‌خواهی داستانت را تغییر دهی؟»

هاجینسون شوکه شده بود. او می‌توانست قبول کند که مرتکب اشتباه شده است و در نتیجه اشتباهش غیرنظامیان کشته شده‌اند. او می‌توانست بپذیرد که این فاجعه قابل پیش‌گیری بود. او آماده پذیرفتن هر مجازاتی بود که ارتش برایش صلاح می‌دید. اما این‌که به تلاش برای پنهان کردن یک عمل عمدی متهم شود؟ این‌را نمی‌توانست بپذیرد. این برایش زیادی بود. نمی‌توانست غیرواقعی راست باشد.

جسیکا دوناتی، خبرنگار ارشد حوزه امنیت ملی است و رییس دفتر پیشین وال استریت ژورنال در کابل بود.





## ترس در همه جای کابل؛ هیچ مکان امنی وجود ندارد

نیویورک تایمز، آدام نویستر  
مترجم: جمشید روشنگر

موج تازه‌ای از خشونت و عدم اطمینان روزافزون درباره‌ی آینده کشور، افغان‌ها را در پایتخت با ترس دایمی مواجه کرده است. کابل، شاهد شرایط ناگوار، ترس و وحشت درهم تنیده است. ترس به شیوه‌ای از زندگی تبدیل شده است.

شمس‌الله امینی ۲۲ ساله فروشنده حبوبات و لوبیا در تایم‌نی می‌گوید: «وقتی در موتر باشی، در حال قدم‌زدن باشی و یا در فروشگاه باشی احساس ترس می‌کنی. اگر امنیت تأمین می‌بود، ما هیچ‌گاهی به فکر ترک کردن کشور نمی‌بودیم.»

مقدسه یورش، مسئول اجرایی و ارتباطات یک سازمان است و می‌گوید «ترس در همه‌جا وجود دارد. فعلا از حالت ترس عبور کرده‌ایم و فقط به زنده‌ماندن می‌اندیشیم.» ترس بخشی از زندگی در کابل است. احتمال مرگ ناگهانی بر اثر حمله طالبان وجود دارد. این روزها در حالی که دولت افغانستان تلاش دارد با طالبان در مورد صلح، مذاکره کند اما زندگی در این‌جا شکننده است. طالبان در بیشتر ساحات کشور فعال است و گزارش‌های روزانه از عقب‌نشینی نیروهای دولتی، سوالات جدید را در مورد بازگشت به حکومت ترسناک و افراطی طالبان متصور ساخته است.

صبح روز یکشنبه، ۱۷ جنوری افراد مسلح در یک خیابان شهر کابل دو قاضی زن را به قتل رساندند. این دو زن در دادگاه عالی افغانستان کار می‌کردند. شهرزاد اکبر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بعد از آن حادثه در تویتر خود نوشت: «آنچه به نظر می‌رسد این است که جهان در برابر این کشتار سیستماتیک فقط نظاره‌گر است.»

براساس گزارش روزنامه نیویورک تایمز در دو هفته اول ماه جنوری، در چندین جای کابل بمب‌ها منفجر شدند. یک موتر بمب‌گذاری شده جان یک سخن‌گوی دولت و دو نفر دیگر را گرفت. یک افسر پولیس، یک خلبان نظامی، یک سرباز و یک عضو امنیت ملی افغانستان نیز کشته شده‌اند.

عمر صدر، تحلیل‌گر سیاسی در دانشگاه امریکایی افغانستان می‌گوید: «در حال حاضر، من نمی‌توانم از امنیت خودم مطمئن باشم. هدف صرفاً ترور کردن افراد نیست بلکه ایجاد فضای ترس و وحشت است. اگر این وضع ادامه یابد ما دیگر فضای لازم برای دموکراسی نخواهیم داشت.»

هدف این ترورهای کارمندان دولت، فعالان، روزنامه‌نگاران و اعضای ارتش است. تصور می‌شود که تلاش طالبان تحت فشار قراردادن دولت افغانستان در هنگام گفت‌وگوهای صلح است. گرچه این گروه

مسئولیت حملات را به عهده نگرفته است. این به معنای خاموش کردن صداهای انتقاد در حال حاضر و در آینده است. براساس آمار روزنامه نیویورک تایمز، بیش از ۳۰۰ تن در حملات هدفمند در سال گذشته و در هفت ماه گذشته دست‌کم شش روزنامه‌نگار کشته شده‌اند.

بعضی‌هایی که قادر به گرفتن ویزا هستند کشور را ترک کرده‌اند. فرحناز فروتن، روزنامه‌نگار شناخته‌شده تلویزیونی بعد از این که نامش در لیست کسانی که تهدید به کشتن شده بود قرار گرفت، در ماه نوامبر به پاریس رفت. او می‌گوید: «این خیلی وحشتناک است.» و اضافه می‌کند: «هدف طالبان ایجاد ترس در میان مردم است.»

پایتخت را شکل عادی از وحشت پوشانده است. در اوایل شب، سرک‌های مقابل مغازه‌ها به‌جای این‌که تاریک باشد روشن است و

پرجنب‌وجوش. خریداران و دست‌فروشان در ترافیک همیشگی در سرک کار می‌کنند و با وجود شیوع ویروس کرونا شلوغی شهر کم نشده است. اما در صورت بازگشت طالبان یا بازگشت دوباره افغانستان به جنگ داخلی، حتا ممکن است کارهای عادی و روزمره نیز از بین برود.

آخرین موج خشونت یادآور درگیری‌های اوایل دهه ۱۹۹۰ است که پایتخت کشور را ویران کرد. برخی می‌گویند: جنگ داخلی از قبل آغاز شده است. مسئولیت بمب‌گذاری‌ها و تیراندازی‌های روزانه را کسی به عهده نمی‌گیرد. شلیک‌های گاه و بی‌گاهی شبانه عادی شده است.

مینا رضایی، که کافه «سمپل» در محله شلوغ کارته سه، احاطه‌شده با فروشگاه‌های لباس ارزان‌قیمت را اداره می‌کند می‌گوید: «هیچ مکان امنی وجود ندارد. مردم در مسجد، در

سرک و در محل کار کشته می‌شوند. این چیزی است که همیشه همراهی مان است.» نقاشی‌های از سیمون دوبوار، هانا آرنه و ویرجینیا وولف در کنار یکی از نقل‌قول‌های میشل فوکو درباره عشق و احساسات، در یکی از دیوارهای کافه آویزان شده است.

خانم رضایی از نزدیک شاهد چندین انفجار بوده است. او با اشاره به این‌که در نزدیکی یک انفجار بزرگ در بیرون سفارت آلمان بود که منجر به کشته شدن ۹۰ تن در سال ۲۰۱۷ شد، می‌گوید: «این برای من عادی شده است.»

صائب نثار ۲۵ ساله، که شغل نانواپی دارد می‌گوید: «هیچ کس نمی‌خواهد جوان بمیرد. اما در افغانستان کسی به جز نامنی به چیز دیگری فکر نمی‌کند.»

ابتدایی‌ترین چهره زندگی روزمره تبدیل به یک عذاب شده است.

## رعایت اخلاق پزشکی در زمانه جنگ و صلح

| زهرا اخلاقی |

اخلاق پزشکی مجموعه‌ای از اصول و قواعدی است که در حرفه پزشکی اعمال می‌شود و آزادی متخصصین را در تصمیم‌گیری‌ها تعیین می‌کند. این قواعد توسط پزشکان به تنهایی تعیین نشده، بلکه با در نظر گرفتن اصول و ارزش‌های اجتماعی، قانون، سیستم‌های عقیدتی، ترس‌ها، امیدها و انتظارات جامعه ایجاد شده است. در ذیل همه‌ی این متغیرها یک مجموعه اصول کاملاً مبتنی بر ارزش استوار است. قوانین اولیه اخلاق پزشکی مانند سوگند بقراط، لیستی از اقدامات قابل قبول و غیرقابل قبول را برای پزشکان تعیین کرده است. قدرت این کدهای باستانی قابل توجه است و سوگند بقراط به‌طور خاص، همچنان نیز توصیف‌کننده اصول اخلاقی الزام‌آور پیرامون پزشکی مدرن است. کدهای مدرن‌تر، عمدتاً از این کدهای قدیمی گرفته شده‌اند. انجمن پزشکی جهانی (WMA) کدهای اخلاقی گسترده‌ای را تعریف کرده که کار انجام‌شده توسط متخصصان مراقبت‌های بهداشتی را در هر شرایطی پوشش می‌دهند.

هیچ‌یک از این موارد، زمان‌های جنگ یا کار در جنگ را به دلیل متفاوت بودن مستثنا نمی‌کنند و یا حاکی از تغییر اصول و قوانین اخلاقی با تغییر شرایط نیستند. پزشکان در هر شرایط ممکن و در هر کشوری از جهان از بیماران مراقبت می‌کنند. در حالی که شرایط بسیار گسترده و متنوع است. معمولاً گفته می‌شود که قوانین اخلاقی و تعهدات پزشکان یکسان هستند. در حقیقت، WMA اظهار می‌دارد که اخلاق پزشکی در زمان صلح و جنگ یکسان است.

### اصول اخلاقی کلی مشابه در زمان جنگ و صلح

این جمله که اخلاق در جنگ و صلح یکسان است، به معنای یکسان بودن تصمیمات پزشکان نیست. معضلاتی که آن‌ها با آن روبرو هستند، غالباً متفاوت خواهد بود، اما اصول کلی اتخاذشده در تصمیمات، یکسان خواهد بود.

در مینا، اصول برای احترام به حقوق فردی که در حال حاضر بیمار است، طراحی شده است تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها قادر به کنترل تصمیم‌گیری درباره آن‌ها و درمانی هستند که دریافت خواهند کرد. در حالی که از نظر تاریخی بسیاری از اصول به آداب و رسوم اقدامات پزشکی مربوط می‌شوند، اخلاقیات نیز به‌طور فزاینده‌ای به تصمیم‌گیری در رابطه با اقدامات پیچیده و پرخطر پزشکی یا بهداشت عمومی نگاه و کمک می‌کنند.

در شرایط درگیری جدید، به‌ویژه در حضور نیروهای مسلح کشورهای پیشرفته، توانایی پزشکی به حدی رسیده است که آسیب‌های بسیار شدید قابل درمان است. وقتی زندگی‌ها به‌طور فزاینده‌ای نجات پیدا می‌کنند، عواقب آن نجات نیز حائز اهمیت می‌شود. این امر منعکس‌کننده تصمیمات در زمان صلح است. اگرچه ماهیت آسیب‌هایی که معمولاً دیده می‌شود و افرادی که این آسیب‌ها در آن‌ها دیده می‌شود، ممکن است بسیار متفاوت باشد. در اقدامات غیرنظامی، تعادل بین جنسیت‌ها بیشتر خواهد بود و گستره وسیع‌تری از گروه‌های سنی که جراحی دیدند، مشاهده می‌شود. در طی درگیری مسلحانه، به‌طور نسبی، بیشتر



مجروحان عضو نیروهای مسلح و در نتیجه مردان جوان و ورزیده خواهد بود. تأثیری که جراحات شدید ممکن است بر آن‌ها بگذارد و گزینه‌های زندگی آینده آن‌ها که ممکن است با تأثیر چنین جراحی‌ها در یک گروه دیگر بسیار متفاوت باشد.

یک سناریو، که در شرایط درگیری دیده می‌شود، این است که محیط برای درمان‌گران و بیماران آن‌ها بسیار خطرناک است، به‌طوری که ادامه‌دادن مراقبت غیر ممکن می‌شود و مراکز ارائه خدمات‌صحتی باید بسته شوند. این وضعیتی است که برخی از ارائه‌دهندگان خدمات مراقبتی، مانند ICRC و MSF با آن روبرو شده‌اند. از جمله تهدیدهای واقعی برای کارکنان آن‌ها، آدم‌ربایی، جراحی یا مرگ است، به‌گونه‌ای که ادامه کار کارکنان در آن محل غیرقابل قبول می‌گردد. این تهدیدات با این واقعیت همراه هستند که اگر حملاتی به کارکنان مراقبت‌های صحتی صورت

گیرد، همکاران غیر بالینی و بیماران آن‌ها نیز به‌طور ضمنی در معرض خطر قرار می‌گیرند.

### بی‌طرف بودن یک اصل اساسی

یکی از اصول اساسی عمل پزشکی در صلح و جنگ، بی‌طرفی است. از نظر اخلاق پزشکی، این بدان معنا است که کارکنان مراقبت‌های بهداشتی باید بیماران را بر اساس نیاز درمان کنند نه براساس قومیت، مذهب، جنسیت، سن یا هر عامل دیگری که منجر به تبعیض غیرمنصفانه شود. این امر همچنین با بی‌طرفی پزشکی تطابق دارد. زیرا اشاره به عدم درگیری کارکنان مراقبت‌های بهداشتی در احزاب سیاسی و مسائل مربوط به درگیری در محل کار آن‌ها می‌کند. پزشکان و سایر کارکنان مراقبت‌های بهداشتی آزادانه می‌توانند مانند سایر شهروندان درگیر سیاست باشند، مشروط بر این‌که اجازه ندهند به هیچ‌وجه بر نقش بالینی آن‌ها تأثیر بگذارد.

“

با در نظر داشتن شرایط متنوع ارائه خدمات درمانی در زمان صلح و جنگ، قوانین اخلاقی و تعهدات پزشکان یکسان هستند. هیچ یک از موارد کدهای اخلاقی، زمان‌های جنگ یا کار در جنگ را به دلیل متفاوت بودن مستثنا نمی‌کند و یا حاکی از تغییر اصول و قوانین اخلاقی با تغییر شرایط نیستند.

در حالی که این مفهوم در جنگ همانند صلح است، اما واقعیت این است که در جنگ کارمند صحتی به احتمال زیاد با چالش‌های واقعی بی‌طرف بودن روبرو می‌شود. پزشک نظامی که با دو مصدوم روبرو شده که هر دو نیاز به توجه فوری دارند، یکی از آن‌ها لباس سربازان خودی را پوشیده و دیگری از دشمن است، احتمالاً سخت خواهد بود که تحت تأثیر وفاداری به شخصی که در کنار او خدمت می‌کند، قرار نگیرد. اما یک پزشک در زمان صلح در مواجهه با دو قربانی تصادف جاده‌ای ممکن است با همین معضل روبرو شود: یکی ممکن است یکی از دوستان، همسایه‌ها یا یکی از اعضای خانواده او باشد و دیگری شخصی که باعث حادثه شده است. این واقعه به‌همان اندازه اجتناب‌ناپذیر است که بی‌طرفی پزشک قبلی اهمیت دارد و ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد.

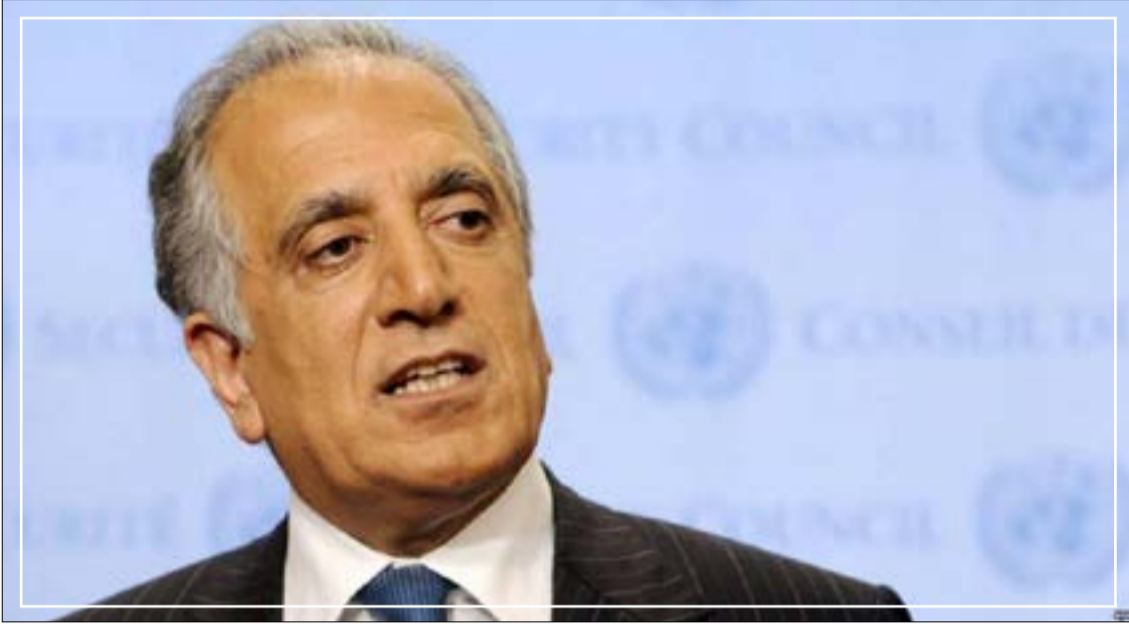
قوانین اخلاقی، روشن و ساده است. مراقبت باید براساس نیاز ارائه شود. در ابتدا فرد نیازمند تحت درمان قرار می‌گیرد. این اساس تریاژ در هر دو زمان جنگ و صلح است.

### تطبيق تصمیمات با اشکال درگیری مسلحانه

آموزش اخلاقی مبتنی بر درک سیستم



## چرا مهندس توافق نامه امریکا و طالبان سر جایش ماند؟



خواهد شد. سوم این که نقش تیم مذاکره کننده تضعیف خواهد شد و حتا این نگرانی وجود دارد که مذاکرات قطر عملا با بن بست مواجه شود.

عمر صمد، پژوهشگر در شورای اتلانتيک و سفیر پیشین افغانستان در بلجیم در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید که معنی این تصمیم ضرورتی است که تیم بایدن به خلیل زاد دارد. زیرا زلمی خلیل زاد، دیپلمات افغانی الاصل و پرنفوذ امریکا کسی است که توافق نامه را مهندسی کرد: «از آنجایی که خلیل زاد در خلال دوونیم سال مجری پالیسی بوده، از جزئیات قضیه باخبر است و یک موعده خاص هم تا ماه می امسال پیش رو قرار دارد، کاری معقول است تا از تجارب وی منحصی دیپلمات و یک مأمور دولتی استفاده شود.»

دکتر اورزلا نعمت، رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در گفت و گو با اطلاعات روز، با اشاره به خبر ابقای خلیل زاد در مقامش، به موازات آن تصمیم دولت بایدن در زمینه بررسی و ارزیابی توافق نامه امریکا با طالبان، معتقد است مسأله اصلی بودن یا نبودن خلیل زاد نیست، مسأله اصلی بررسی توافق نامه است: «بررسی این توافق نامه یک امر نیک است و ما باید آن را به فال نیک بگیریم. روشن می شود که چه تخلفات در آن توافق نامه بوده و این که آن توافق نامه به نفع مردم افغانستان نبوده است.» از نظر دکتر نعمت، با در نظر داشت تعهدات اداره بایدن برخلاف اداره ترمپ در مسائل حقوق بشر، احترام به موازین دموکراسی توقع می رود که این ارزیابی حداقل به بعضی از ارزش های مردم سالاری توجه بیشتر نشان دهد.

دکتر کریم پاکزاد، پژوهشگر در بنیاد مطالعات بین المللی و استراتژیک فرانسه در گفت و گو با اطلاعات روز، با اشاره به تجربه حضور خلیل زاد در مناسبات جنگ و صلح افغانستان، می گوید خلیل زاد بیشتر از هر دیپلمات امریکایی از اوضاع افغانستان آگاهی دارد: «شناخت او از طالبان هنگامی که سفیر امریکا در کابل بود، نسبت به شناخت او از سایر رهبران جنگی و قومی وسیع تر بود.» دکتر پاکزاد معتقد است که نگاه خلیل زاد به ماهیت قدرت سیاسی در افغانستان کمک کرد که امریکا با طالبان بتوانند یک توافق نامه صلح امضا کنند: «آنچه که اهمیت دارد این است که آیا آقای خلیل زاد در تضاد با اندیشه جو بایدن که زیاد به یک افغانستان واحد متکی به یک قدرت مرکزی قوی باور ندارد، قرار نمی گیرد؟» عمر صمد باور دارد که پروسه صلح تا حال به مرحله ی گفتن روی حکومت بدیل یا تعیین سرنوشت سیاسی نرسیده است: «خلیل زاد هم تاکنون در مورد گزینه بدیل موقوف علنی نداشته است، چون این موضوع به جهت های افغانی تعلق می گیرد و یک تصمیم خارجی بوده نمی تواند.»

زلمی خلیل زاد، به عنوان یک امریکایی افغانی تبار چندین دهه است که در امور جنگ و صلح افغانستان درگیر بوده و در مقطعی به عنوان سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان ایفای وظیفه کرده است. آقای خلیل زاد در مقام نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان بارها در زمینه پروسه صلح حرف های جنجالی گفته و از لزوم گزینه بدیل برای حکومت فعلی افغانستان سخن زده است که در داخل افغانستان تلاش ها و سخنان او را «حکومت موقت» معنا کرده اند.

آقای خلیل زاد در شرایط کنونی رابطه اش با حکومت افغانستان و شخص رییس جمهور غنی هرازگاهی تنش آلود بوده، طوری که در آخرین سفرش به کابل در دیدار با رهبران سیاسی بیرون از حکومت، طرح حکومت موقت را مطرح کرده بود. گفته می شود در نتیجه ی این ماجراجویی درخواست ملاقاتش با رییس جمهور غنی رد شد.

عباس عارفی  
گزارشگر

شبکه تلویزیونی سی ان ان با اتکا به چند منبع گزارش داده است که حکومت جدید امریکا به ریاست جمهوری جو بایدن، زلمی خلیل زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح افغانستان را که در زمان حکومت دونالد ترمپ به این سمت گماشته شده بود، در مقامش حفظ خواهد کرد.

خلیل زاد جمهوری خواه است. برای بسیاری این تصمیم بایدن غیرمترقبه و همزمان سوال برانگیز بود. معنای ماندن خلیل زاد در مقام نماینده سیاست خارجی دولت جدید امریکا در امور صلح افغانستان چیست، آیا بایدن در روند صلح افغانستان راه دونالد ترمپ رییس جمهور پیشین امریکا را می رود؟ در حالی که در روزهای اخیر آنتونی بلینکن، نامزد وزارت امور خارجه امریکا در اظهاراتش، و همچنان جک سالیوان، مشاور امنیت ملی امریکا در گفت و گو تلفنی با حمدالله محب، مشاور شورای امنیت ملی افغانستان از تصمیم بررسی و ارزیابی توافق نامه صلح امریکا با طالبان سخن گفته اند.

### چرا خلیل زاد سر جایش ماند؟

پس از دو دهه دشمنی، حدود یک سال پیش در یک رویداد تاریخی طالبان و امریکا دشمنی را کنار گذاشتند و توافق نامه صلح امضا کردند. امضای توافق صلح امریکا با طالبان بعد از ماهها مذاکره در نتیجه دیپلماسی دیپلمات کار کشته امریکایی افغان تبار به ثمر نشست. اما اکنون با رفتن ترمپ از کاخ سفید سرنوشت این توافق نامه هر چند نامعلوم است، اما مهندس این توافق نامه سر جایش است.

دکتر جعفر مهدوی، نماینده پیشین پارلمان در گفت و گو با اطلاعات روز می گوید، به این دلیل خلیل زاد سر جایش باقی ماند که پروسه صلح افغانستان از جمله معدود گزینه های سیاست خارجی ترمپ است که مورد تأیید آقای بایدن بوده است: «خلیل زاد حتا نسبت به دوره دونالد ترمپ با مورال، قاطعیت و جدیت بیشتر موضوعات مربوط به پروسه صلح افغانستان و مخصوصا طرح حکومت موقت به عنوان گزینه بدیل برای حکومت آقای غنی را مطرح کرده که بدون مشوره تیم بایدن و مشخصا جک سالیوان که پس از این دوسیه افغانستان مربوط به او می شود، نبوده است.»

آقای مهدوی معتقد است که سیاست دولت بایدن در قبال افغانستان تعقیب و تداوم همان سیاست های دولت ترمپ خواهد بود، البته با چند اصلاحیه: «اول این که نقش پاکستان برخلاف تصوری که وجود دارد، پررنگ تر خواهد شد. دوم این که امریکایی ها تلاش خواهند کرد تا در حمایت از این پروسه اجماع منطقه ای و بین المللی بیشتر شود. نقش سازمان الملل متحد و ایران به عنوان همسایه افغانستان در این پروسه جدی گرفته



دکتر اورزلا نعمت، رییس واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

نسبت به دولت افغانستان پنهان نمی کند و دولت افغانستان را به عنوان دست نشانده امریکایی ها تلقی می کند. چه اتفاقی خواهد افتاد وقتی که آخرین نیروهای امریکایی افغانستان را ترک کنند؟

بانو رضایی، صاحب کافه گفت: «آن ها درباره ما و درباره حقوق زنان چه فکری خواهند کرد؟» او مانند خیلی از مشتریان ترس دارد. دلیل ترس اش منتسب بودن اش به اقلیت قومی هزاره است که توسط طالبان آزار و اذیت شده اند.

یک خواننده رپ افغان و دوستان موسیقی شناسش که در کافه کنار هم نشسته بودند، خوش بین نبودند. مصطفا سحر ۲۷ ساله، می گوید: «من از زندگی که وجود ندارد آواز می خوانم.» مصطفی سحر، خواننده رپ محلی پس از انتشار یک ویدیو موسیقی به صورت آنلاین، تماس های تلفنی تهدید آمیزی دریافت کرد. آقای سحر بازوی خالکوبی شده ی خود را روی میز گذاشت. او گفت: «اگر آن ها بازویم را ببینند، بازوی من را می بزنند. آن ها می گویند، این مخالفت با اسلام است.»

بعد از این که وی فیلم خود را به صورت آنلاین منتشر کرد با یک تماس تلفنی تهدید آمیز روبه رو شد: «چه کار می کنی؟ این خلاف اسلام است تو یک کافر هستی.» آقای سحر گفت: «من از کسانی که در اطرافم هست می ترسم.» او گفت: «این ترس مردم را افسرده می کند و آن ها را مجبور می کند که خود را منزوی کنند.» آقای سحر افزود که هم اکنون برگزاری کنسرت در بسیاری از بخش های کابل غیرممکن شده است. در اخیر می گوید: «تمام آنچه ما می خواهیم آزادی و عدالت، و شاید کمی آرامش، است.»

### تحلیل

می تواند به کسانی که تحت فشار هستند، کمک کند تا وضوح تصویر و تجزیه و تحلیل لازم را حفظ کنند.

اگرچه، همان طور که قبلا بیان شد، اصول اخلاقی در صلح و جنگ یکسان است، اما فشارها متفاوت است. عدم درمان یک فرد خاص به ندرت زندگی متخصص مراقبت های بهداشتی را در زمان صلح تهدید می کند؛ هر چند در زمان درگیری مسلحانه، این امر ممکن است رخ دهد. اما شرایطی در صلح همانند جنگ وجود دارد که کارمندان مراقبت های بهداشتی هنگام انجام وظایف خود در معرض خطر قرار می گیرند. کارمندان مراقبت های

صحنی برای ارائه مراقبت ها در زمانی که به صحنه یک فاجعه طبیعی مانند یک ساختمان فرو ریخته وارد می شوند، ممکن است به اندازه کسانی که در

حین بمباران مرکز خود به ارائه خدمات درمانی ادامه می دهند، در معرض خطر باشند، اما مانند جنگ، انتظار نمی رود مورد اول امنیت خود را نادیده بگیرند. در زمان صلح از پزشکان انتظار می رود که به توصیه هایی گوش کنند. از جمله این که آیا میزان خطر ورود به ساختمان فرو ریخته کم یا زیاد است و این که خطرات جدی آن ها را تهدید نکند. در حالی که انتظار می رود برخی از خطرات را بپذیرند. به عنوان مثال، درمان افراد مبتلا به بیماری های واگیردار، کارمندان صحنی را در معرض برخی از خطرات قرار می دهد. البته انتظار می رود که گام هایی را برای به حداقل رساندن این خطر بردارند.

با در نظر داشتن شرایط متنوع ارائه خدمات درمانی در زمان صلح و جنگ، قوانین اخلاقی و تعهدات پزشکان یکسان هستند. هیچ یک از موارد کدهای اخلاقی، زمان های جنگ یا کار در جنگ را به دلیل متفاوت بودن مستثنا نمی کند و یا حاکی از تغییر اصول و قوانین اخلاقی با تغییر شرایط نیستند.

زهرای فیضی، مشتری یک کافه ساده، بهترین بازیکن ملی پوش سابق والیبال زنان که در شرکت برق دولتی کار می کند می گوید: «هر صبح در مسیر کار من منتظر یک انفجار هستم. اگر در این چهارراه اتفاق نیفتد، در چهارراهی بعدی حتما اتفاق می افتد. وقتی در محل کار می رسیم همه درباره آخرین انفجارها صحبت می کنند.» او اضافه می کند: «فقط وقتی نفس راحت می کشم که دخترانم از مکتب به خانه برگردند.»

خانم اکبر، رییس کمیسیون مستقل حقوق بشر کشور اخیرا گفته است: «اگر شما قوه ذهنی خود را برای تفکر در مورد زنده ماندن به مصرف برسانید به ناچار تمام روز شما سخت و پر از پریشانی است.»

آقای صدر، تحلیل گر سیاسی می گوید: «من موترم را برای این که هدف قرار نگیرد، فروختم. به جای آن کوشش می کنم از تاکسی استفاده کنم. تلاش می کنم محتاط باشم و کمتر گردش کنم.» همچنان او نگران است چیزهایی که گفته است ناخواسته توجه طالبان را جلب کند. آقای صدر می گوید: «همه ما در مورد صحبت کردن، در مورد پیامدهای صحبت کردن محتاط باشیم.»

خانم یورش می گوید: «من مسیره ایام را تغییر می دهم، وسایل نقلیه را تغییر می دهم.» او گفت: «باید در مورد محیط پیرامون مان بیش از حد آماده باشیم.» شما این فکرها را می کنید؟ مانند این است که این روز آخر عمرم است.

شهزاد اکبر در یک مصاحبه در سال ۲۰۱۷ در کابل گفت: نگرانی همیشگی کشته شدن وجود دارد. اعتماد کم وجود دارد که دولت بتواند در برابر طالبان چه در میدان جنگ و چه در میز مذاکره مقاومت کند. بعضی کسانی که با آن ها ملاقات کردند می گویند که مذاکره کنندگان طالبان اهانت خود را

تجزیه و تحلیل و استفاده از آن سیستم برای بررسی تصمیمی است که قرار است گرفته شود. هیچ سیستمی بهتر از بقیه نیست. هر یک نقاط قوت و ضعف دارند و هر یک طرفداران و مخالفانی دارند. آنچه مهم است این است که فرد بتواند از یک سیستم برای بررسی یک مسأله استفاده کند. با به وجود آمدن موقعیت های مختلف، وی می تواند شرایط بالینی را برداشته، بحران های اخلاقی را شناسایی کند، آن ها را تجزیه و تحلیل کند و به دنبال یافتن بهترین راه حل باشد. معمولا هیچ جواب صاف درست یا غلطی وجود ندارد، اما راه حل هایی وجود دارند که کم و بیش به اصول کلی اخلاقی پایبند هستند.

در درگیری های مسلحانه، ماهیت مسأله ممکن است متفاوت باشد، همان طور که در برخی از مثال های ذکر شده در این نوشته عنوان شده است. با این حال، به عنوان یک قاعده کلی، اختلافات متعددی وجود دارد که احتمالا در هنگام درگیری مسلحانه بیشتر از زمان های دیگر با آن ها روبه رو می شوید.

کارمندان مراقبت های بهداشتی ممکن است به دلیل وفاداری به یک هدف، یک گروه یا یک ایدئولوژی، شخصا دچار تضاد شوند و به ندرت در اقدامات شان در زمان صلح از قوانین تخطی کنند. جدا کردن عقاید و تعصبات شخصی در هر تصمیم گیری اخلاقی ضروری است. در درگیری ها زمانی که ممکن است این اعتقادات شامل دیدن کسانی باشد که با همان وفاداری یا ایدئولوژی در معرض خطر جراحت یا مرگ جدی هستند، بی طرف ماندن بسیار دشوارتر است. بدون بی طرف بودن، کارهای خاص مانند انجام تریاژ غیرممکن می شوند، همچنین ارزیابی عادلانه معقولیت درخواست ها مانند انتشار اطلاعات بیمار انجام نمی شود.

یک پیش زمینه قوی در یک سیستم اخلاقی و درک و آگاهی از کدها و اصول اخلاقی،



## اولین گروه معدنچیان طلا در چین بعد از دو هفته نجات یافتند



اول با یک معدنچی دیگر در فاصله صد متری شان در ارتباط بوده‌اند اما بعد از مدتی ارتباط قطع شده است. امدادگران وقتی متوجه زنده بودن معدنچیان شدند که یادداشتی از طریق لوله به دستشان رسید که رویش نوشته شده بود «تلاش برای نجات ما را متوقف نکنید».

چطور به آن‌ها غذا رسید؟ اعضای تیم امداد و نجات برای روزها پس از حادثه منتظر ماندند و تلاش کردند تا علامتی از بازماندگان پیدا کنند. سرانجام پس از آنکه امدادگران از طریق یک لوله ارتباطی نازک که به اعماق فرستاده بودند، با بازماندگان ارتباط برقرار کردند. آنها از طریق همین لوله یادداشتی به دستشان رسید که که نویسنده بر روی آن نوشته بود: «۱۱ نفر دیگر اینجا هستند. یک هم نفر زخمی است. وضعیت ۱۰ نفر دیگر اما نامشخص است».

همچنین در این گزارش گفته شده بود که آب زیرزمینی بالا آمده و معدنکاران را احاطه کرده است. آنها خبر داده بودند که به دارو نیاز دارند.

سپس نیروهای امدادی برای معدنچیان غذا، دارو، کاغذ و مداد فرستادند. بعدتر کارگران محبوس داروهای بیشتری درخواست کردند از جمله داروهای ضد درد و التهاب و همچنین وسایل پانسمان. یک مقام محلی گفت که بر اساس تماس تلفنی که با معدنکاران برقرار شد مشخص شد که بسیار ضعیف هستند و حفره ایجاد شده برای دسترسی به آنها به محلی که گیر افتاده‌اند رسیده است.

پس از اینکه سومین حفره تنگ که به سوی معدنچیان باز شد، این موضوع تأثیری همچنان انگیزی بر روی کارگران گذاشت. آنها امید زیادی پیدا کردند که از این معدن بیرون خواهند رفت.

گزارش این حادثه با تأخیری یک روزه به دست نیروهای امداد رسید و به همین خاطر امدادگران تا شروع عملیات نجات، زمان طلایی را از دست دادند. به دنبال این تأخیر ۳۰ ساعته دبیر محلی حزب کمونیست در منطقه و شهردار اخراج شده‌اند.

دو سال گذشته نیز حوادث ناگواری در چین رخ داده بود.

در دسامبر سال گذشته ، ۲۳ معدنچی بر اثر نشت مونوکسیدکربن در معدن ذغال سنگ جان باختند. در ماه سپتامبر همان سال ۱۶ کارگر در یک معدن دیگر بر اثر آتش سوزی جان باختند. در دسامبر سال ۲۰۱۹، انفجار در معدن ذغال سنگ جان ۱۴ معدنچی دیگر را گرفته بود.

## امریکا سرکوب معترضان در روسیه را محکوم کرد

اتوپوس‌هایی که در همان نزدیکی بودند، منتقل کردند. در نهایت پلیس توانست معترضان را از این میدان بیرون براند. شماری از تظاهرکنندگان در فاصله کمی از این میدان دوباره تجمع کردند.

گزارش‌ها حاکی است شماری از این معترضان به سمت زندانی که الکسی ناولنی در آن است، حرکت کردند. در برخی از شهرهای شمالی روسیه هواداران الکسی ناولنی در دمای ۵۰ درجه سانتیگراد زیر صفر در خیابان‌ها دست به تظاهرات زدند.

ند پرایس ، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا در بیانیه‌ای گفته است، ایالات متحده استفاده از تاکتیک‌های خشن علیه معترضان و روزنامه نگاران در روز شنبه در شهرهای مختلف روسیه را به شدت محکوم می‌کند.

این سخنگو اضافه کرده است، قبل از وقایع امروز، دولت روسیه با آزار و اذیت سازمان دهندگان این اعتراضات، تهدید علیه شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی و دستگیری پیشگیرانه شرکت کنندگان بالقوه، دست به سرکوب حق تجمع مسالمت آمیز و آزادی بیان زده بود.

ند پرایس تصریح کرده است، این اقدامات به دنبال سال‌ها اعمال محدودیت و اقدامات سرکوبگرانه علیه جامعه مدنی، رسانه‌های مستقل و مخالفان سیاسی انجام شدند.

سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا از مقامات دولت روسیه خواسته است تمام کسانی که به دلیل استفاده از حق خود برای اعتراض مسالمت آمیز بازداشت کرده، از جمله الکسی ناولنی را آزاد کند.

امریکا همچنین خواستار همکاری روسیه با تحقیقات بین المللی در خصوص مسمومیت الکسی ناولنی شده است.



اطلاعات روز: جو بایدن رییس‌جمهور امریکا و بوریس جانسون نخست‌وزیر بریتانیا برای اولین بار بعد از شروع ریاست‌جمهوری آقای بایدن تلفنی با هم صحبت و بر «عمیق‌تر کردن روابط» تأکید کردند. در طرف همچنین درباره ضرورت هماهنگی در اولویت‌های سیاست خارجی دو کشور در زمینه ایران، روسیه و چین گفت‌وگو کردند. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، جزئیات بیشتری از گفت‌وگو درباره ایران منتشر نشده است. سخنگوی جدید کاخ سفید در اولین نشست مطبوعاتی خود تأکید کرده بود که مسائل مربوط به ایران و مشخصاً برنامه هسته‌ای آن جزو محورهای گفتگوهای اولیه جو بایدن با سران دیگر کشورها خواهد بود.

دولت امریکا در زمان دونالد ترامپ از توافق برجام خارج شد اما بریتانیا در کنار دو کشور دیگر اروپایی فرانسه و آلمان از این توافق حمایت کرده است.

کاخ سفید اعلام کرده جو بایدن به دنبال محدودیت برنامه هسته‌ای ایران از طریق دیپلماتیک است و می‌خواهد ایران باید به اجرای تعهداتش بازگردد.

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه امریکا روز شنبه چهارم بهمن اقدام روسیه در بازداشت هزاران نفر از معترضان حامی الکسی ناولنی، منتقد سرسخت پوتین، را به شدت محکوم کرد.

به نقل از رادیو فردا، روز شنبه ده‌ها شهر روسیه شاهد تظاهرات اعتراضی هواداران الکسی ناولنی بود و نیروهای امنیتی بیش از سه هزار نفر را بازداشت کردند. به گزارش آسوشیتدپرس، تظاهرات روز شنبه در شهرهای مختلف روسیه برای آزادی الکسی ناولنی برگزار شد و بیش از ۱۵ هزار نفر در تجمع اعتراضی در مسکو حضور داشتند. طبق این گزارش معترضان در میدان پوشکین مسکو تجمع کرده بودند و نیروهای پولیس ضد شورش کوشیدند تا معترضان را از این میدان بیرون کنند. در همین حال نیروهای ضد شورش پولیس شماری از معترضان را بازداشت و به داخل

ند پرایس ، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا در بیانیه‌ای گفته است، ایالات متحده استفاده از تاکتیک‌های خشن علیه معترضان و روزنامه نگاران در روز شنبه در شهرهای مختلف روسیه را به شدت محکوم می‌کند.

این سخنگو اضافه کرده است، قبل از وقایع امروز، دولت روسیه با آزار و اذیت سازمان دهندگان این اعتراضات، تهدید علیه شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی و دستگیری پیشگیرانه شرکت کنندگان بالقوه، دست به سرکوب حق تجمع مسالمت آمیز و آزادی بیان زده بود.

ند پرایس تصریح کرده است، این اقدامات به دنبال سال‌ها اعمال محدودیت و اقدامات سرکوبگرانه علیه جامعه مدنی، رسانه‌های مستقل و مخالفان سیاسی انجام شدند.

سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا از مقامات دولت روسیه خواسته است تمام کسانی که به دلیل استفاده از حق خود برای اعتراض مسالمت آمیز بازداشت کرده، از جمله الکسی ناولنی را آزاد کند.

امریکا همچنین خواستار همکاری روسیه با تحقیقات بین المللی در خصوص مسمومیت الکسی ناولنی شده است.

## تنش چین و تایوان؛

### ناوگروه امریکا وارد دریای جنوبی چین شد

اطلاعات روز: همزمان با بالا گرفتن تنش میان چین و تایوان، یک ناوگروه نیروی دریایی امریکا وارد دریای جنوبی چین شده است.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، فرماندهی اقیانوس هند-آرام ایالات متحده امروز در بیانیه‌ای اعلام کرد که ناوگروه یواس‌اس تئودور روزولت روز شنبه ۲۳ جنوری برای تأکید بر «آزادی تردد دریایی» وارد این منطقه شده است. تایوان روز شنبه گفته بود که جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های چین «به شکل گسترده‌ای» وارد حریم هوایی تایوان در نزدیکی جزیره پراتاس شده‌اند که در بخش شمالی دریای جنوبی چین واقع شده است.

دولت جو بایدن، رییس‌جمهور امریکا از چین خواسته تلاش برای در تنگنا قرار دادن تایوان را متوقف کند.

وزارت خارجه امریکا روز شنبه در بیانیه‌ای از پکن خواست دست از «فشارهای نظامی، دیپلماتیک و اقتصادی علیه تایوان» بردارد و به جای آن وارد مذاکره شود.

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه پیشنهادی آقای بایدن هم هفته پیش در جلسه پرسش و پاسخ کمیته امور خارجی



## اولین گفت‌وگوی تلفنی بوریس جانسون و جو بایدن درباره ایران و مسائل دیگر

آقای جانسون اولین رهبر اروپایی است که با رییس‌جمهور جدید امریکا صحبت می‌کند. البته آقای بایدن با نخست‌وزیر کانادا و مکزیک هم گفت‌وگو کرده است.

دفتر نخست‌وزیری بریتانیا می‌گوید آقای جانسون به گرمی از تصمیم رییس‌جمهور امریکا برای بازگشتن به پیمان اقلیمی پاریس و مجمع سازمان بهداشت جهانی استقبال کرده است.

همه‌گیری کرونا، پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و توافق تجاری بین دو کشور از محورهای دیگر گفت‌وگو بین سران بریتانیا و امریکا بوده است.

کریس میسون، خبرنگار دیپلماتیک بی‌بی‌سی می‌گوید این مکالمه ۳۵ دقیقه طول کشیده است. به گفته کریس میسون مکالمات اولیه میان سران کشورها با رییس‌جمهور امریکا اتفاقی عادی و معمول در روال دیپلماتیک است اما او یک نکته را برجسته می‌کند؛ اینکه در بیانیه دفتر نخست‌وزیری بریتانیا به موضوع گفت‌وگو بر سر توافق تجاری آزاد دو کشور تأکید شده اما در بیانیه کاخ سفید اصلاً به این موضوع اشاره هم نشده است.

خبرنگار دیپلماتیک بی‌بی‌سی می‌گوید توافق تجاری آزاد دو کشور که بوریس جانسون به دنبال آن است، چیزی نیست که به این زودی‌ها به دست آید.

جو بایدن در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، از منتقدان سیاست‌های بوریس جانسون بود و او را «تسخه کپی فیزیکی و روحی» آقای ترامپ خوانده بود.

آقای بایدن همچنین به خاطر سیاست برگزیت و خروج از اتحادیه اروپا از آقای جانسون انتقاد کرده بود.

سنا گفت که روابط با چین بزرگ‌ترین چالش جدی امریکا در مقایسه با تمام کشورهای دیگر است. روابط چین و امریکا، دو اقتصاد برتر جهان، در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به شکل کم‌سابقه‌ای خراب شد.

دعوت از نماینده تایوان در امریکا برای شرکت در مراسم تحلیف جو بایدن باعث شده که تنش در اولین روزهای دولت جدید امریکا بیشتر شود.

پرواز جنگنده‌های چین در حریم هوایی تایوان به عنوان پیامی از جانب پکن برای کابینه آقای بایدن تعبیر شده است.

در این میان نیروی دریایی امریکا اعلام کرده است که حرکت ناوگروه روزولت در دریای جنوبی چین «بخشی از فعالیت‌های عادی برای اطمینان از آزادی تردد دریایی و ایجاد شراکت‌هایی برای تأمین امنیت دریایی است».

دریای جنوبی چین، که خطوط حمل و نقل حیاتی از آن می‌گذرند، در سال‌های اخیر به موضوعی تنش‌زا بین چین و چندین کشور منطقه شده است که هر کدام جزایر و صخره‌های آن را متعلق به خود می‌دانند.

پکن بر بخش بزرگی از این دریا ادعای مالکیت دارد اما تایوان، فیلیپین، برونئی، مالزی و ویتنام همه مدعی بخش‌هایی از این دریا هستند.

دریابان داگ وریسمو، فرمانده ناوگروه تئودور روزولت گفت «با در نظر گرفتن این که دو سوم حمل و نقل تجاری جهان از این منطقه بسیار مهم می‌گذرد، بسیار حیاتی است که ما حضورمان را تثبیت کنیم و به ترویج نظام قانون‌محوری که به همه ما اجازه رشد و رونق می‌دهد، ادامه دهیم.»

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی

سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ایوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته‌سه

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲



## خبرهای کوتاه

## چالش جدید رونالدو چیست؟

ستاره پرتگالی می خواهد یک رکورد خاص را با پیراهن یوونتوس به نام خود ثبت کند. به نقل از بی ساکر، کریستیانو رونالدو ۳۵ ساله همچنان رکورد شکنی می کند. مهاجم یوونتوس با گلی که برابر ناپولی در سوپر جام به ثمر رساند ۷۶۰ گله شد و به بهترین گلزن تاریخ فوتبال تبدیل شد.

با وجود چنین رکوردی ستاره پرتگالی باز هم به دنبال ثبت آمار جدیدی خواهد بود. او می خواهد رکورد عمر سیووری را بشکند که در کوتاه ترین زمان ممکن ۱۰۰ گل را برای یوونتوس به ثمر رساند. بازیکن سابق تیم توریانی در ۱۲۴ بازی رسمی این گل ها را به ثمر رساند.

رونالدو تاکنون در ۱۰۹ بازی ۸۵ بار برای بانوی پیر گلزنی کرده است. او باید در ۱۵ دیدار پیش رو ۱۶ گل به ثمر برساند تا بتواند رکورد سیووری را بشکند. این چالش برای افراد زیادی دست نیافتی است اما ستاره پرتگالی این چنین نیست و بارها در طول دوران ورزشی اش نشان داده است که می تواند غیرممکن ها را به ممکن تبدیل کند.



ایتالیایی به او سلام کنم...

سرمربی از او پرسید که آیا دوست دارد چند کلمه ای صحبت کند؟ و او گفت نه. او آدم حرف زدن نیست، اما مشکلی نیست، او بسیار متمرکز است.»

## زلتان ابراهیموویچ:

## ما قهرمان نیم فصل هستیم اما این اهمیتی ندارد!

زلتان ابراهیموویچ پس از شکست ۳-۰ میلان برابر آتالانتا، راجع به این بازی صحبت کرده است.

با وجود شکست ۳-۰ برابر آتالانتا در سن سیرو، روسونری موفق شد نیم فصل اول سری آ را با صدرنشینی به پایان ببرد. البته به لطف از تساوی ۰-۰ اینتر و اودینزه.

زلتان پس از شکست برابر آتالانتا گفت: «خیلی چیزها غلط از آب درآمد. نمی خواهم دنبال بهانه بگردم، چون در هر بازی باید به زمین بروید و دنبال نتیجه گرفتن باشید. شنبه شب نتوانستیم این کار را بکنیم.

مسئله مهم الان این است که انرژی خود را بازبایم و روی بازی بعدی تمرکز کنیم. خوشبختانه بازی بعدی چند روز بعد است و می توانیم این شکست را جبران کنیم.

بعد از ۳۸ بازی فقط ۲ بار در سری آ شکست خورده ایم که فکر می کنم زیاد هم بد نباشد. متأسفانه وقتی اینهمه بازیکن از دست می دهید و بازیکنان جوان و بی تجربه جای آنها را می گیرند، این اتفاق قابل پیش بینی است.

این بهانه نیست. ما داریم سخت تلاش می کنیم. فداکاری می کنیم. ما قهرمان زمستان شده ایم اما این برای من هیچ معنایی ندارد، البته جز اینکه فکر کنم تا اینجا خوب کار کرده ایم. قسمت سختش تازه شروع می شود.»

استفانو پیولی، سرمربی میلان، در برابر آتالانتا از سوالیهو میته به جای براهیم دیاز در نقش هافبک تهاجمی پشت سر مهاجم استفاده کرده بود؛ تجربه ای که اصلا موفقیت آمیز نبود.

## جدایی ستاره دورتموند در تابستان ۲۰۲۱؛ تقریباً غیرممکن

تقریباً غیر ممکن است.

تاثیر ارلینگ هالند در باشگاه دورتموند به حدی بوده که او حالا بعد از گذشت مدت زمانی کوتاه به بهترین بازیکن این تیم تبدیل شده و از طرف دیگر گل های فوتبال اروپا علاقه زیادی به جذب او نشان داده اند. ستاره نروژی جمعه شب نیز با وجود شکست دورتموند مقابل مونشن گلاباخ هر دو گل تیمش را به ثمر رساند تا بیش از پیش قابلیت های فوق العاده خود را به نمایش گذاشته



فابریتزو رومانو، خبرنگار معتبر اسکای اسپورتنس مدعی شد جدایی ارلینگ هالند از دورتموند در تابستان پیش رو

باشد.

همین عملکرد فوق العاده ارلینگ هالند در ترکیب زنبور ها باعث شده که شایعات زیادی در رابطه با علاقه گل های اروپایی به جذب این بازیکن شنیده شود. در همین ارتباط گفته می شود باشگاه های بزرگی نظیر لیورپول، منچستر یونایتد، منچستر سیتی و البته رئال مادرید و بارسلونا خواهان به خدمت گرفتن این ستاره نروژی هستند.

با این حال شرایط اقتصادی به وجود

آمده ناشی از ویروس کرونا باشگاه ها را در وضعیت دشواری قرار داد و از طرف دیگر بند فسخ ۷۵ میلیون یورویی هالند در تابستان ۲۰۲۲ فعال می شود. بر همین اساس نیز فابریتزو رومانو خبرنگار اسکای مدعی شده که تا آن زمان جدایی مهاجم نروژی از جمع دورتموندی ها چیزی نزدیک به غیر ممکن است چرا که باشگاه آلمانی برای فروش هالند در این تابستان بیش از ۱۰۰ میلیون یورو طلب خواهد کرد.

## مسی؛

## گزینه اصلی PSG برای جایگزینی امپابه

باشگاه پاری سن ژرمن با توجه به احتمال زیاد جدایی امپابه قصد دارد که با لیونل مسی برای جایگزینی او وارد مذاکره شود. به نقل از کانال پلاس، کیلیان ام پابه از بهترین و باکیفیت ترین بازیکنان حال حاضر فوتبال جهان است.

این بازیکن ۲۲ ساله از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است و مدت ها است که مورد توجه رئال مادرید قرار دارد.

علاقه این بازیکن به حضور در رئال باعث شده است تا سخت مورد توجه کهنکشان ها قرار گیرد. او قرارداد خود را تمدید نکرده است و به نظر می رسد که پاری سن ژرمن چاره ای جز فروش او ندارد.

اظهارات اخیر امپابه و لئوناردو، مدیر ورزشی باشگاه پاری سن ژرمن باعث شده است تا بحث جدایی این بازیکن جدی شود.

امپابه در جدیدترین اظهار نظر خود گفت: از هواداران پاری سن ژرمن تشکر می کنم. من برای همیشه خود را مدیون آن ها می دانم. از باشگاه هم که فرصت هم بازی شدن با ستاره های بزرگ را به من داد تشکر می کنم. من خواستار تمدید کوتاه مدت نیستم. به زودی تصمیم نهایی را می گیرم.

و اما لئوناردو هم درباره تمایل احتمالی امپابه و نیمار به جدایی گفت: ما هیچ بازیکنی را وادار به ماندن نمی کنیم.

کانال پلاس در ادامه گزارش خود نوشت: این اظهارات به خوبی نشان می دهد که امپابه برای جدایی سیگنال می فرستد.

شکبه تلفوت هم علاقه امپابه به جدایی از پاری سن ژرمن را تایید کرد.



سخت است که چنین چیزی را کنترل کنی. این اولین بار نبود که یک تیم لیگ برتری در این رقابت ها اذیت شد.»

فیل فودن همچنان به درخشش در ترکیب سیتی ادامه می دهد و تحسین گواردیولا را نیز به خاطر عملکرد خوبش در این تیم برانگیخته.

گواردیولا راجع به فودن افزود: «فیل فودن در لحظه بسیار فوق العاده ای است و اعتماد به نفس خیلی خوبی دارد. او در برابر دروازه بسیار موثر است و بسیار عالی بازی می کند. فیل اما باید فیل باشد و نه کوین دی بروین چرا که تنها یک کوین دی بروین وجود دارد. او باید همچنان به همین کاری که دارد در لحظاتی که ما در شرایط خوبی نیستیم و یا داریم می بازییم می کند، ادامه دهد.»



خوبی داشتیم. وقتی آنها توانستند جلو بیافتند کمی اوضاع پیچیده شد، اما ما ۱-۱ کردیم و بازی نزدیک بود. آنها از توانایی شان در محوطه جریمه استفاده کردند. در محوطه جریمه از ما بلندتر و بهتر بودند و ما گاهی توانستیم کنترل شان کنیم. خیلی

## گواردیولا:

## حقی وقتی عقب افتادیم، پشیمان نشدم

اصلی که در لیگ برتر به میدان می فرستد، در برابر چلتنهام به زمین فرستاد و تنها فیل فودن از جمع ۱۱ بازیکن اصلی سیتی در این مسابقه از ابتدا در زمین حضور داشت. گواردیولا اما وقتی ۳۰ دقیقه مانده به پایان بازی چلتنهام با یک گل جلو افتاد، لحظات بسیار اضطراب آوری را تجربه کرد.

فودن درخشان ترین ستاره سیتی در زمین بود و توانست در دقیقه ۸۱ گل تساوی را برای منچستر سیتی به ثمر برساند. گابریل ژسوس و فران تورس نیز دو گل دیگر سیتی را در دقیقه ۸۴ و ۹۴ به ثمر رساندند تا شاگردان گواردیولا ۳-۱ پیروز این دیدار باشند.

گواردیولا پس از این پیروزی گفت: «من حتی وقتی ۱-۰ عقب افتادیم، پشیمان نشدم. ما از دقیقه اول بازی شانس های

به رغم گل خوردن و عقب افتادن منچستر سیتی در برابر تیم دسته دومی چلتنهام، گواردیولا، سرمربی سیتی، از اینکه با یاران اصلی اش به دیدار این تیم نرفته پشیمان نیست.

منچستر سیتی توانست پس از دریافت یک گل از چلتنهام در دیداری که در چارچوب دور چهارم رقابت های FA Cup برگزار می شد، توانست در آخرین دقیقه بازی، ۳-۱ پیروز شود و به دور پنجم این رقابت ها صعود کند.

پپ گواردیولا، سرمربی سیتی، می گوید که از انتخاب بازیکنانی که در برابر چلتنهام به زمین فرستاد پشیمان نشد، حتی وقتی در نیمه دوم از این تیم عقب افتاده بودند.

گواردیولا منچستر سیتی را با ترکیبی کاملا جدید و با تغییر ده بازیکن نسبت به تیم

## سولسشر و ستاره ای که بی خیال جذبش نمی شود

که اوله گنار سولسشر، سرمربی نروژی شیاطین سرخ علاقه زیادی به سبک بازی کولیباالی دارد و خواهان حضور این مدافع در تیمش شده است.

با این حال پس از کش و قوس های فراوان و به دلیل پایین نیامدن ناپولی از مواضع مالی خود، کولیباالی در جمع ناپلی ها ماندگار شد. با این حال مارکا

شکل رسمی اعلام کرد که در صورت دریافت پیشنهاد خوب، آن ها مدافع سنگالی را به فروش خواهند رساند.

از طرفی منچستریونایتد در تابستان به شدت در پی تقویت خط دفاعی خود بود و از کالیدو کولیباالی به عنوان اصلی ترین هدف آنها در این راه نام برده شد؛ در واقع خبر ها حاکی از آن بود

مارکا مدعی شد کالیدو کولیباالی، مدافع سنگالی ناپولی همچنان هدف اول اوله گنار سولسشر برای تقویت خط دفاعی منچستریونایتد محسوب می شود.

در تابستان شایعات زیادی در رابطه با احتمال جدایی کالیدو کولیباالی از ناپولی به گوش رسید و حتی اورلیو دی لورتنیس، رئیس باشگاه ایتالیایی نیز به

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.





نمایی از شهر قندهار

## «خانه، کارخانه، بوم بوم خلاص»

### چگونه جنگ زندگی مردم شماری از ولسوالی‌های قندهار را زیور کرد؟

عبدالواحد حیدری

گزارشگر

ابوالفضل! ابوالفضل! زود باش به حویلی پشت سر بیا و دوربین شب‌بین را بیاورا!  
در راه هستیم می‌آیم.  
کوچه‌ای از جسد‌های دشمن پر شده و زخمی هم دارد.  
وضعیت ما چطور است.  
الحمدالله در وضعیت خوبی قرار داریم، قابل تشویح نیست.

این مکالمه دو جنگ‌جوی طالب بود که عصر یک روز هفته‌ی گذشته یک افسر پولیس در پشت خط جنگ ولسوالی ارغنداب ولایت قندهار آن را شنود می‌کرد. در آن لحظه‌ی درگیری‌های نه‌چندان شدید میان نیروهای دولتی و جنگ‌جویان طالب در منطقه‌ای که افسر پولیس آن را «جوی لاهور» می‌گفت در چند کیلومتری مرکز ولسوالی ارغنداب و مرکز ولایت قندهار جریان داشت.

کماندوهای ارتش و سربازان پولیس در میان قریه‌های و باغ‌های انار مصروف پاکسازی بود و فقط چند کیلومتر جنگ‌جویان طالب را از کنار غربی رود ارغنداب عقب‌زده بود و چند پاسگاه را نیز در ساحات پاکسازی‌شده ایجاد کرده بود. بعد از بلندشدن صدای هر انفجاری جنگ‌جویان طالبان با صدای بلند از کشته‌شدن نیروهای دولتی آمار و ارقامی به همدیگر مخابره می‌کردند. در این سو، یک افسر پایین‌رتبه ارتش که در نزدیکی خط اول جنگ قرار داشت از طریق مخابره از هم‌زمانش خبر می‌گرفت. هم‌زمانش پاسخ می‌داد: «خبر و خیریت است»

بعداً افسر پولیس به من گفت طالبان می‌داند که صحبت‌هایشان رصد می‌شود و تلاش می‌کنند با ارائه‌ی آمار و ارقام «دروغین» از کشته‌شدن نیروهای دولتی، روحیه‌ی نیروهای دولتی را تضعیف کند و به جنگ‌جویان خودشان روحیه ببخشند.

حدود دوونیم ماه پیش، جنگ‌جویان گروه طالبان پس از حملات سنگین بر ولایت هلمند، بر شماری از ولسوالی‌های ولایت قندهار از جمله ارغنداب، ژیری، پنجوایی و میوند نیز حملات تهاجمی انجام دادند که در نتیجه بخش‌هایی از این ولسوالی‌ها به‌دست گروه طالبان افتادند.

حالا بعد از سپری‌شدن حدود دوونیم ماه، هنوز بخش‌های زیادی از این مناطق در کنترل طالبان است و مقامات امنیتی در قندهار می‌گویند که عملیات پاکسازی این مناطق به‌دلیل جاسازی بیش از حد ماین‌ها توسط گروه طالبان و جلوگیری از تلفات غیرنظامیان، به‌کندی پیش می‌رود.

فریداحمد مشعل، آمر امنیت فرماندهی پولیس قندهار هفته‌ی گذشته (چهارشنبه، ۱ دلو) در صحبت با اطلاعات روز گفت که یگانه مانع سر راه پیشرفت عملیات نیروهای دولتی ماین‌های جاسازی‌شده از سوی طالبان در جاده‌ها، زمین‌ها و خانه‌های مردم و جلوگیری از تلفات مردم ملکی است که عملیات پاکسازی را با کندی مواجه کرده است.

به‌گفته‌ی او، نیروهای دولتی تا کنون ۶۱۱ حلقه ماین کارگذاری‌شده طالبان را تنها در ولسوالی ارغنداب و بخشی‌های از ولسوالی ژیری خنثا و پاکسازی کرده‌اند: «به‌گونه‌ی مثال، در یک باب مسجد که خانه‌ی خدا است،

آورده‌اند. به‌گفته‌ی رییس شورای مردمی ولسوالی ارغنداب، تنها از حدود ۵۰ قریه‌ی این ولسوالی حدود ۷۵ هزار نفر بی‌جا شده‌اند. به‌روایت بی‌جاشدگان این ولسوالی‌ها، وقتی طالبان قریه‌ها را تصرف می‌کنند، از خانه‌های مردم به‌عنوان سنگر جنگ در برابر نیروهای دولتی استفاده کرده و مردم را مجبور می‌کنند که ساحه را ترک کنند. سید کمال آغا، باشنده روستای بابر ولسوالی ارغنداب می‌گوید: «در خانه‌های خود بودیم که طالبان آمد و به خانه‌های ما داخل شد و به ما گفت که باید بیرون شویم تا در جنگ و بمباردمان کشته نشویم.»

بعد از آن‌که در روستای‌شان جنگ درمی‌گیرد، کمال خانواده ۱۵ نفری خود را گرفته و با پای پیاده از میان باغ‌های انارش گذشته و از ساحه جنگ بیرون می‌شود: «با یک جوهر لباس که بر تن داشتیم از جنگ فرار کردیم. خانه، کارخانه، وسایل، لباس و تمام داشته‌های ما آن‌جا ماند.»

این بی‌جاشده‌ی جنگ‌های قندهار می‌گوید که طالبان از خانه و کارخانه‌ی بُن‌سازی وی به‌عنوان سنگر و کارگاه ماین‌سازی استفاده می‌کرده است که توسط جنگنده‌های ارتش بمباران و نابود شده است. کمال می‌گوید که گادره‌ایش را طالبان برای ساختن مخفی‌گاه و خندق استفاده کرده و ماشین‌آلات کارخانه‌اش در نتیجه‌ی بمباران ارتش از بین رفته است: «در کارخانه به ارزش ۴۰ لک افغانی آهن و ماشین‌آلات وجود داشت که حالا ده هزار افغانی هم از آن‌جا به‌دست آورده نمی‌توانم.»

کمال می‌گوید که هیچ‌کسی از او و خانواده‌اش سر نزده و تاکنون هیچ‌کمی هم دریافت نکرده است. از یک سو باغ، خانه، کارخانه و حاصلات زراعتی‌اش از بین رفته و از سوی دیگر فشارهای بی‌جاشدگی آزارش می‌دهد: «ما کرایه یک ماه را نداریم اما این‌جا مردم شهر کرایه شش ماهه را به‌صورت پیش‌پرداخت از ما می‌خواهد. اگر نه خانه را به ما به کرایه نمی‌دهد»

کمال خیلی تلاش می‌کرد که وضعیت را برایم

درست توضیح دهد. فارسی نمی‌دانست و گاهی در میان صحبت‌هایش تلاش می‌کرد که وضعیت را به فارسی تشریح کند تا من خوب درک کنم: «خانه، کارخانه، بوم بوم خلاص». به این حرف‌های کمال دیگران که در جمع بودند، می‌خندیدند اما کمال می‌خواست فقط عمق دردی را که جنگ بر او وارد کرده است، به‌درستی بیان کند.

محمدنسیم ولسمل که از روستای «قلعه شک» ولسوالی ارغنداب بر اثر جنگ بی‌جا شده است، روایت مشابهی با سید کمال آغا دارد. می‌گوید که طالبان از طرف شب روستای آن‌ها را تصرف کرده و خانه‌های مردم را سنگر ساختند: «در حویلی خود ما هم سنگر ساخته و تمام اتاق‌های خانه‌ی ما را توسط سوراخ به همدیگر وصل کرده‌اند که از آن به‌عنوان سنگر استفاده کرده و در مقابل نیروهای دولتی می‌جنگند.»

به‌گفته‌ی محمدنسیم، طالبان درست در فصل چیدن انار جنگ را آغاز کرده است، بخشی از حاصلات انار مردم در شاخه و بخشی دیگرش در زیر درختان مانده است. شبکه‌های مخابراتی در ساحات جنگی مسدود است. محمدنسیم از کسانی که به منطقه‌شان گاهی رفت‌وآمد می‌کند، می‌شنود که بخش زیادی از حاصلات انارشان در جنگ نابود شده و بخشی دیگرش مانند خانه‌های‌شان چور شده است: «آن‌جا جز طالبان کسی دیگر نمانده بود و مردم ملکی به آن‌جا رفته نمی‌توانست. معلومدار است که انارهای مردم از دست طالبان خراب شده و هم طالبان انار مردم را چور کرده‌اند.»

#### میلیاردها افغانی خساره

جنگ امسال در شماری از ولسوالی‌های قندهار میلیاردها افغانی به مردم منطقه صدمه رسانده است. محمدنسیم می‌گوید که سال‌های گذشته حاصلات انارش به حدود ۱۳ لک افغانی می‌رسیده اما امسال ۲۰ هزار افغانی هم برداشت نتوانسته است: «سال‌های گذشته که مردم ۱۰، ۲۰ و یا ۳۰ خروار جواری و ماش برداشت می‌کردند، امسال یک چهارم آن را هم برداشت نتوانستند. فصل کاشت گندم رسیده بود. از صد زمین‌دار تنها دو-سه زمین‌دار گندم کشت کرده بود و دیگران نتوانستند گندم‌های‌شان را بکارند.»

حاجی حیات‌الله بی‌جاشده از روستای «وکیل قلعه» منطقه «ناگان» ولسوالی ارغنداب که روایت مشابه با کمال و نسیم دارد. با این تفاوت که نتوانسته تمام خانواده‌اش را از جنگ بیرون بکشد. او توانسته همسر و بچه‌هایش را بیرون کند اما از دو برادرش خبری نیست. از کسی شنیده که آن‌ها به یک دشت فرار کرده‌اند. این بی‌جاشده می‌گوید که دارایی و مواشی‌اش بر اثر اصابت دو فیر هاوان به خانه‌اش نابود شده است.

فریداحمد مشعل، آمر امنیت فرماندهی پولیس قندهار می‌گوید که نیروهای دولتی در حالت دفاعی قرار داشته و طالبان تعهد خود را شکسته و دست به حمله زده است. او طالبان را مسئول ویرانی خانه‌های و زندگی مردم می‌داند.

آمر امنیت فرماندهی پولیس قندهار که در جریان عملیات پاکسازی از خانه‌های مردم دیدن کرده، هم می‌گوید که طالبان اموال و خانه‌های مردم را از شیشه‌های شمشیری گرفته تا الماری و وسایل خانه استفاده و «غارت» کرده‌اند. او می‌گوید که «ارتش و پولیس تلاش‌های نهایی خود را به خرج می‌دهد تا مردم بتوانند در فصل جدید به خانه‌های‌شان برگشته و به محصولات زراعتی‌شان برسند.»

بلال احمد که حدود ۱۲ سال سن دارد، هم با سه برادر کوچک‌ترش در میان بی‌جاشدگان قرار دارد. وقتی آتش جنگ در «قلعه شک» روستای بلال احمد شعله‌ور می‌شود، بلال و خانواده‌اش به شهر قندهار فرار می‌کند.

بلال احمد می‌گوید که تمام دوستان و هم‌سن و سالانش که در مکتب، کوچه و قریه با او آشنایی داشته، هم فرار کرده‌اند. بلال در انتظار ختم جنگ در روستایش است تا بتواند دوباره به مکتب رفته و درس‌هایش را ادامه بدهد.

جنگ در شماری از ولسوالی‌های قندهار از مردم ملکی هم قربانی گرفته است اما آمار مشخصی در این مورد وجود ندارد. در هر جایی مردم از کشته‌شدن مردم ملکی حرف می‌زدند. در ولسوالی ارغنداب یکی به من گفت که از یک خانواده سه عضو، از دو خانواده دیگر دو دو عضوشان در جنگ‌های ارغنداب کشته شده‌اند. جمال، نسیم، حفیظ‌الله و بلال گاهی از مردم می‌شنوند که در منطقه‌شان کسی کشته شده اما به‌دلیل مسدودبودن شبکه‌های مخابراتی نمی‌دانند که کی و از کدام قریه کشته شده است.

#### کمک دریافت نکردیم

با شدت‌گرفتن جنگ مردم از ولسوالی‌های خاکریز، شاه‌ولی‌کوت، ارغنداب، میوند، پنجوایی، میان‌شین و ژیری به مرکز و حومه‌های شهر قندهار پناهنده شده‌اند. شماری از این بی‌جاشدگان در خانه‌های اقارب‌شان زندگی می‌کنند اما شماری زیادی دیگر در حویلی‌های کرایه‌ی، چادر و فضای باز شب‌های سرد زمستان را سحر می‌کنند.

این بی‌جاشدگان می‌گویند که تاکنون حکومت هیچ کمکی به آن‌ها نکرده است. محمدنسیم می‌گوید: «اگر کسی خانواده‌های بی‌جاشده را به حکومت معرفی کند، مأمورین حکومت می‌آیند، وقت را ضایع می‌کنند و روزانه دو یا سه نفر را سروی کرده و می‌روند. بعد از آن معلوم نمی‌شود. وقتی تماس بگیریم پاسخ نمی‌دهند.»



کمال آغا می‌گوید که خانه و کارخانه‌اش را که طالبان سنگر ساخته بود، دولت بمبارد کرده است.